

راه توده

شهرمولان حیدرآباد در خلیج از کشور

جمعه ۱۱ آذر ۱۳۶۲ مطابق
۲ دسامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۷
پها: ۴۰ ریال

با قتل عام توده‌ایها، ناقوس مرگ انقلاب به صدا در می‌آید!

آخرین پرده نمایش شوم قتل عام توده‌ایها، آغاز می‌شود. توحش بی‌حجاب و سبعیت لجام گسیخته سردمداران ج.ا.ا. به نقطه اوج خود می‌رسد. حاکمیت ج.ا.ا. در تکاپوی آنست که این بار نیز جشن سال نوی امپریالیسم را "بی چراغ" نگذارد. به گزارش خبرگزاری‌ها، دفتر دادستانی کل انقلاب اعلام داشته است، "محاکمه" توده‌ای‌های در بند، روز ۱۵ آذر، در دادگاه‌های نظامی آغاز می‌شود تا به "حکمی" که پیش از دستگیری و به هنگام شروع "دو سال کارسیستماتیک" جاسوسی "در مورد آنان صادر شده بوده" قانونیت "پخش شد". اینک بیش از ۹ ماه از بی‌رحم خونین و بی‌رحمی ارتجاع حاکم بر ج.ا.ا. به حزب توده ایران، این اصل ترین نیروی پشتیبان منافع مردم ایران، می‌گذرد. آنچه در این مدت، بر سر توده‌ای‌هایی که کارنامه "زندگیشان، زنج نامه" آنهاست، آمده و واقعیات تراژیک است که خشم، انزجار و اعتراض جهانیان را برانگیخته است. اعمال شکنجه‌های وحشیانه سنتی و مدرن، بقیه در صفحه ۲

"اتحادیه ضد فاشیستها"، برای چهارمین بار از مقامات ج.ا.ا. خواست قادر "دادگاه‌های"، زندانیان توده‌ای شرکت کند

در صفحه ۱۱

چرخش به راست حاکمیت تثبیت می‌شود!

● دوران "انتقاد منصفانه" مدت‌هاست سپری شده

روند تثبیت چرخش به راست حاکمیت ج.ا.ا. و احیای وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تحکیم نظام کلان-سرمایهداری و بزرگ مالکی وابسته، علیرغم بحران گسترده و عمیقی که میهن انقلابی ما را در بر گرفته است، همچنان به پیش رانده می‌شود. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که شادمانی خود را از این تحولات پنهان نمی‌دارد، برای تسریع روند مسخ انقلاب، زمینه سازی فرود آوردن ضربه نهایی بر انقلاب، سیاست "چماق و حلوا" را در برابر ج.ا.ا. در پیش گرفته است. امپریالیسم آمریکا، در جریان بی‌رحمی به نیروهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی، در خلیج فارس نیز به آرایش نظامی دست می‌زند. کشتی‌های جنگی آمریکایی در مرزهای آبی میهن ما، چماق امپریالیسم را بالا می‌برند و فرمانده نیروهای واکنش سریع، مردم ما را با صراحت تمام به دخالت نظامی تهدید می‌کند.

اعتراضات سراسری در برابر تکرار دیگر قتل‌های ج.ا.ا. راه عقب‌رازی

● کوشش‌های سراسری برای برانگیختن جنبش‌های مبارزتی با اعتراضات سراسری در برابر تکرار قتل‌های ج.ا.ا.

قلمین حقوق حقه و شرافتمندانه خلق کرد، درگرو سرنوشت انقلاب است!

این روزها مصادف است با ۲۸-مین سالگرد سرکوب نهضت دمکراتیک و ضد امپریالیستی در کردستان توسط رژیم شاه و همزمان است با عملیات والفجر ۲ و ۴، از طرف رژیم ج.ا.ا.

سخنگویان دولتی و نظامی، هدف از انجام این عملیات را، در کنار حمله به مواضع ارتش عراق در منطقه، "پاکسازی" کردستان از بقیه در صفحه ۵

تأمین سرمایه برای حمله به مواضع ارتش عراق در منطقه، "پاکسازی" کردستان از بقیه در صفحه ۵

حزب کمونیست هند، خدمات غرور آفرین "توده‌ایها"، را به امر انقلاب ایران و جهان می‌ستاید!

در صفحه ۲

از سوی دیگر انحصارات چند ملیتی در ژاپن آلمان فدرال، انگلستان، ایتالیا، آمریکا، آمریکا می‌یابند بازار ایران را از کالا‌های امپریالیستی اشباع کنند، نیازهای تسلیحاتی جنگ توسعه - طلبانه با عراق را برآورده سازند و از پیشرفت های "ایران در سایه سیاست‌های نوین تجدید کنند.

زد و بند های پنهان با امپریالیسم آمریکا تا بد آنجا پیش می‌رود که رهبر تسلیم شدگان بقیه در صفحه ۶

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

با قتل عام توده ایها، ناقوس مرگ انقلاب به صدا در می آید!

بقیه از صفحه ۱

جسمی و روانی، شوک الکتریکی، داروهای شیمیایی ۰۰۰، استفاده از کابل های سیمی، که میرفضیان ج ۰۱۰، خود بر بکار گیری آنها، تحت نام "تعزیر اسلامی" اعتراف کرده اند، تنها گوشه ای از قساوت قلب و "عظوفت اسلامی" آنان را می نمایاند.

هفته ها و ماهها در دخمه های تاریک و نمور، بی هوا و روشنایی ماندن، هردم از شب و روز به اطاق "تشمیت" احضار شدن، هفته ها بسته به دست پیگیری خونین و بی جان، در سلول تنگ به سر بردن ۰۰۰ از اجزاء لاینفک برنامه های "ارشادی" ای است که مرشدان "سیا" مروی زندانهای ج ۰۱۰ برای "تهدیب زندانیان" خود تنظیم کرده اند.

اکنون، تمامی احزاب، جمعیت ها و محافل دموکراتیک و مترقی بین المللی می دانند که خادمان سرمایه، میرفضیان ج ۰۱۰ با بکار گیری چه شیوه ها و وسایلی "شو" های تلویزیونی "اعترافات" را تهیه و پخش کرده اند. بشریت مترقی بیکارچه به این وحشیگری اعتراض می کند. اکنون همه مردم ایران که خود نیز از زیر سرپوش سر-بین اختناق، به تنگ آمده اند، به خوبی می دانند که جلادان "گنم" و یا نام ج ۰۱۰ قربانیان خود را زیر شکنجه های وحشیانه به قتل می رسانند و این عمل جنایتکارانه را "خودکشی" می نامند. اکنون همه مردم آزادی خواه ایران و جهان می دانند که دست امپریالیسم، و مجموعه حاکمیت ج ۰۱۰ حتی پیش از آغاز محاکمه آنان به خون پاک بسیاری از قهرمانان بی گناه توده ها آلوده است.

این واقعیتی است که سازمان های مترقی جهانی، شخصیت های برجسته "حقوقی"، پزشکان پر اعتبار جهان، بارها و بارها از غاصبان مقامات رهبری و حاکمیت ج ۰۱۰ خواسته اند تا به يك هیأت بی طرف بین المللی مرکب از پزشکان و حقوق دانان برای رسیدگی به وضع زندانیان و بررسی چگونگی کسب این "اقرار" اجازه ورود به ایران داده شود؛ این خواست انسان دوستانه و برحق و موافق موازین بین المللی همچنان بی پاسخ مانده است. "اگر دست اندرکاران افعال شکنجه و تعزیر و آمران آنان از محاسبه باکی ندارند، چگونه است که از پذیرفتن چنین هیأت های بی طرفی سرباز می زنند؟" این سوالی است که تمامی مردم ایران و بشریت مترقی از حاکمیت سر-کویگر ایران دارند. نحوه انتشار خبر دادگامهای فرمایشی برای محاکمه

توده های در بند، جلوه دیگری از زیر پا گذاردن حقوق اوئیه زندانیان سیاسی و اصول و موازین انسانی و بی اعتنائی به خواست های افکار عمومی ایران و جهان است. در واقع هیچ انسان منصف و با وجدانی در "نمایشی" بودن این "دادگاه" که در محاکم "نظامی" بر پا می شود و "دادخواست" آن، بر پایه هیچگونه دلیل و مدرک مستندی تنظیم نشده و لذ اخلالی از اعتبار است، بدون حضور نمایندگان بین المللی، خبرنگاران خارجی، وکلای برجسته جهانی و



هیأت منصفه واقعا برگزیده از میان مردم، تشکیل می شود، ذره ای تردید ندارد و همه رأی از پیش تعیین و اعلام شده آن را محکوم می کنند.

قتل عام خونینی که ارتجاع حاکم برج ۰۱۰، مقدمات انجام آن را تدارک می بیند، تنها چهره کریه و خونخوار سرکوبگران ج ۰۱۰ را، هر چه روشن تر، آشکار نمی سازد؛ این قصابی پربرمنشانه، تنها بیکر و جان های پاک "توده های" را شقه شقه نمی کند؛ تنها "زندگی" سراسر مبارزه و رنج این انسان های شریف را به خاک نمی سپرد؛ این ناقوس مرگ انقلاب است که به صدا در می آید. مجموعه حاکمیت ج ۰۱۰ به خوبی می دانند که با سلاخی "توده های" حکم اعدام انقلاب را صادر می کنند. آنان می دانند و در مراحل اجرای "رهنمود های پرژینسکی" به خوبی آموخته اند که برای تدفین آماجهای استقلال - طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت جویانه انقلاب، ابتدا باید قلب توده های را متلاشی کرد.

هم از این روست که زحمتکشان محسروم ایران و تمامی بشریت مترقی، احزاب و جمعیت های دموکراتیک بین المللی و شخصیت های برجسته حقوقی علاقمند به سرنوشت انقلاب ایران، بانگ اعتراض خود را علیه این شمشات، پرطنین تر می سازند و برخواست شرکت حقوق دانان و وکلای مترقی جهانی در این "دادگاه" پای می فشرند.

یام حزب کمونیست هند به کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت ۴۲مین سال تشکیل حزب توده ایران

حزب کمونیست هند، خدمات غرور آفرین "توده ایها" را به امر انقلاب ایران و جهان می ستاید!

رفقای عزیز، خوشحالیم که حزب توده ایران، چهل و دومین سال خدمت فرور آمیز خود را به امر انقلاب ایران و جهان پشت سر گذاشت. کمونیستها، مردم مترقی هند، فعالیت های شما را در جهت طرد نیروهای خرابکار از انقلاب مردمی - ضد امپریالیستی - ضد آمریکائی ایران که خشم آنان را سبب شده و موجی از سرکوب علیه شما را در پی داشته، دقیقاً دنبال می کنند. من، با ماوریت از جانب شورای ملی حزب کمونیست هند و به نام خود، از این فرصت استفاده می کنم و به شما به خاطر پایداری و بی گیری تان و تحمل سختیهای این شرایط دشوار درود می فرستیم. مبارزات شما و شهادت که تحمل می کنید، فصل روح بخش نوینی در جنبش جهانی کارگری گشوده است. ما بسیار خرسندیم که پیوند های برادرانه

دوستی دیر پا میان دو حزب را تازه تر می کنیم. حزب شما همواره، و به طور خلل ناپذیری پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را برافراشته نگاه داشته است. اسلام همستگی ما را با مبارزات خود بیذیرید. ما برای شما در مبارزهای که در پیش دارید موفقیت آرزو می کنیم. - زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری - زنده باد حزب توده ایران

با درود های رفیقانه
ن. ک. کرشنان
دبیر شورای مرکزی و عضو هیأت اجرایی حزب کمونیست هند.

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

اظهاریه رفیق یوری آندروف:

هدف ما، تامین صلح برای نسل کنونی و نسلهای آینده است!

در هفته گذشته، پارلمان آلمان فدرال به استقرار موشکهای میان برد آمریکائی، پرشینگ ۲ و کروزرهای داد - در پی این تصمیم، قطعاتی از این سلاحها به آلمان فدرال وارد شد تا مقدمات استقرار آنها در مناطق تعیین شده آماده گردد هم زمان با این تدارک در آلمان فدرال مقدمات استقرار موشکهای پرشینگ ۲ و کروزر در انگلستان و ایتالیا نیز آغاز گشت. این اقدامات کشورهای ناتو، اتحاد شوروی را مجبور می سازد تا به عمل متقابل دست زند و برتری هستهای ایجاد شده را بر طرف ساخته و موازنه را از نو برقرار نماید.

رفیق یوری آندروف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در بیانیه ای که بدین مناسبت صادر کرده، مواضع اتحاد شوروی را پیرامون این امر خطر بیسان داشت.

رفیق آندروف در بیانیه خود اظهار داشته است:

غریب هیچ ککی نمی رساند؛ (زیرا) هیچ کس اروپای غربی را تهدید نمی کند. استقرار موشک های آمریکائی در خاک اروپا، نه تنها امنیت این قاره را تأمین نمی کند، بلکه خطر واقعی آنکس آمریکا، مملکت های اروپا را به یک فاجعه بکشاند افزایش می دهد.

اراضی ایالات متحده آمریکا، در دو جنگ جهانی گذشته از آتش خرابی ها در امان ماند. واشنگتن این خیال را در سردار که با استقرار موشک های میان برد خود در اروپا و تهدید هر چه بیشتر کشورهای سوسیالیستی با سلاح های هستهای موفق خواهد شد، تفرقه تلافی جوانانه (ما) را از خانه خود دور ندارد.

رفیق آندروف در ادامه بیانیه خود افزوده است:

«با در نظر گرفتن این حقایق، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نمی توانند این واقعیت را نادیده بگیرند که واشنگتن علیه سو - سیالیسم، به عنوان یک نظام اجتماعی اسلام جنگ صلیبی داده است. (در واقع) کسانی که استقرار سلاح های جدید هستهای را جلوی در خانه ما مستقر داشته اند، سیاست عملی خود را بر چار چوب این فکر دیوانوار بنا می کنند. آیا اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سو - سیالیستی می توانند این خطر را نادیده بگیرند؟ به این دلیل نیز، نمایندگان عالی رتبه حزبی و دولتی هفت کشور سوسیالیستی، همین گرد هم آتی خود در مسکو، که به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۲ انجام گرفت، اعلام داشتند تحت هیچ شرایطی برتری نظامی بلوک ناتو، بر کشورهای پیمان ورشو را اجازه نخواهد داد.

- رفیق آندروف در ادامه بیانیه خود پس از اشاره به مذاکرات ونو و عدم موفقیت آن، که تنها به علت خرابکاری های واشنگتن به شکست انجامید، خاطر نشان ساخت:
- « رهبری اتحاد شوروی، با دقت تمام وضع ایجاد شده را بررسی و تصمیمات زیرین را اتخاذ کرده است:
- ۱- اتحاد شوروی، شرکت در مذاکرات ونو را که متضمن هیچ معنایی نیست، غیر ممکن می شمارد.
 - ۲- موراتوریوم خود را درباره موشک های اس - اس - ۲۰ لغو می کند.
 - ۳- تدارک مقدمات استقرار موشک های متحارفی - عملیاتی را در جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی تشدید می کند.
 - ۴- سیستمهای همانندی در مناطقی اقیانوسی و دریاها مستقر خواهد کرد. ایمن

رهبری اتحاد شوروی ارزیابی خود را پیرامون سنگبری نظامی دولت کنونی آمریکا به اطلاع مردم اتحاد شوروی و دیگر خلقهای جهان رسانده و در باره عواقب خطرناک چنین سنگبری های دولت های آمریکا و کشورهای غربی که با آمریکا مشترکاً عمل می کنند هشدار داده است. اما واشنگتن، لندن، بن و رم به این صدای خردگوش فرادادند و کار استقرار این موشکها در کشورهای آلمان فدرال، بریتانیای کبیر و ایتالیا آغاز شده است. بدین ترتیب مسئله ظهور موشکهای آمریکائی پرشینگ و کروزر در قاره اروپا به واقعیتی کامل بدل شده است.

بیش از چهار سال است که اروپا در شرایط صلح بسر می برد و این طولانی ترین زمان صلح در تاریخ نوین جهان است. این امر تنها با پی گیری سیاست صلح جوانانه جامعه کشور های سوسیالیستی، کوشش های نیروهای صلح دوست قاره، و همچنین مواضع واقع بینانه سیاستمداران روشن بین در غرب ممکن شده است.

تخیر تناسب نیروهای نظامی و حفظ تعادل بین آنها که در اروپا نیز در عرصه سلاحهای هستهای، میان کشورهای ناتو و پیمان ورشو ایجاد شده بود، به طور عینی، به امنیت و ثبات در اروپا خدمت می کرد. اما اکنون آمریکا و ناتو در کل، دست به اقدامی می زنند تا کفه ترازو را به سود خود سنگین تر کنند. استقرار موشکهای هستهای در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی و هم پیمانان آن، به امر دفاع از اروپای



سیستم ها، برای آمریکا متضمن همان خطری است که موشکهای ناتو، برای اتحاد شوروی با وجود آورد ماند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: « اتحاد شوروی موکدا، تصریح می کند که سنگبری خود مبنی بر قطع مسابقه تسلیحاتی، قبل از همه مسابقه هستهای، کاهش و بالآخر نابودی کامل خطر جنگ هستهای و فادارمی مانده و در آینده، تمام توان خود را برای تحقق این اهداف به کار خواهد بست.

رفیق آندروف اظهار داشته است: « ما، امروز در دنیای صلح ناپایداری زندگی می کنیم. به این دلیل دولتمردان مسئول، باید موقعیت را بسنجند و تصمیمات معقولی اتخاذ کنند. تنها خرد انسانی می تواند بشریت را از خطری که او را تهدید می کند، در امان نگه دارد.

.....

« اتحاد شوروی معتقد است صلح و امنیت خلق ها با تجمع و تکامل سلاحهای جدید، تضمین و تحکیم نخواهند شد این امر تنها از طریق کاهش تعداد این سلاحها تا حد بسیار قلیل ممکن است. بشریت وظایف و مسئولیت های زیادی دارد که به علت عدم استفاده از تمام ثروت های مادی و معنوی هنگفت و سایر ثروت ها لاینحل باقی مانده است.

رفیق آندروف در پایان بیانیه خود به مردم شوروی اطمینان داده است:

« رهبری اتحاد شوروی اعلام می کند به خاطر جاهل عمل پوشاندن به اراده خلق شوروی، در آینده نیز به هر اقدامی دست خواهد زد تا خطر جنگ را دفع کرده و صلح را برای نسل کنونی و نسلهای آینده تأمین کند.»

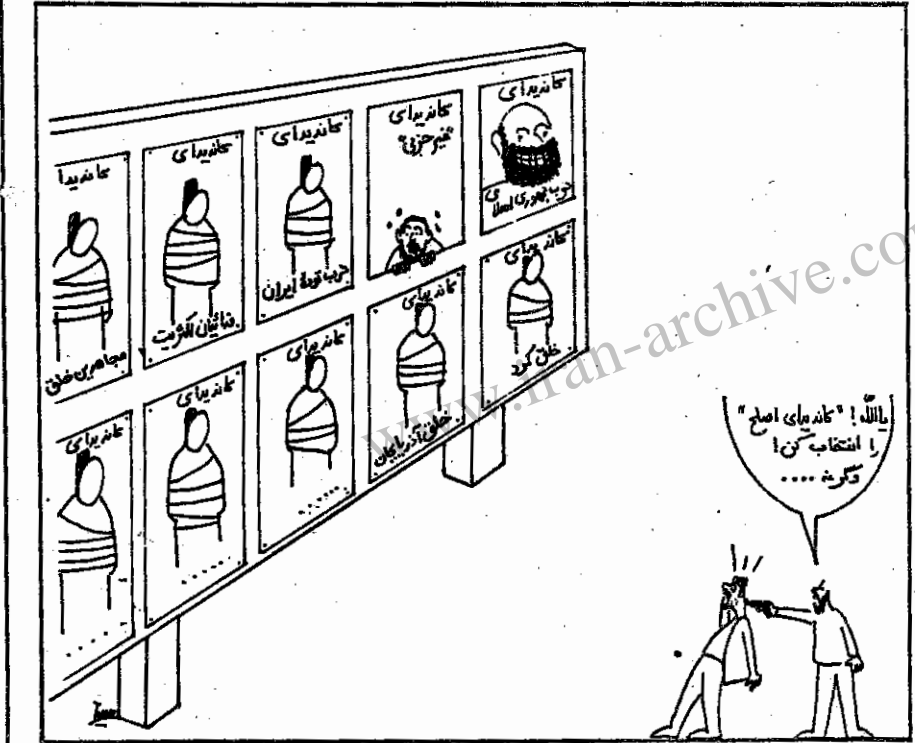
بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته ای

حق رای بدون حق انتخاب!

لست : هم هنگام نامزد شدن و هم موقع اجرای وظایف نمایندگی .
 شایان دقت است توصیه‌هایی از آن دست که در بالا متذکر شدیم ، طی دیدار با "ائمه" جمعه مراکز استانهای سراسر کشور " ارائه می-شود و نه به صورتی که روی سخن بارای دهندگان و مردم ایران باشد . این امر تصادفی نیست . آنان خود به خوبی می‌دانند که در ج ۱۰۱۰ ، مردم در تعیین و گزینش نمایندگان خویش نقشی ندارند بلکه فقط " حق " رای دادن به کسانی را دارند که از هفت‌خوان دستگاههای تفتیش عقاید گذشته باشند . حاکمیت برای انتخاب - کنندگان و مردم آنقدر عقل و درایت قایل نیست که خود بتوانند منافع خویش و صلاحیت نامزد

سازند . کافیت يك نفر در شورای نگهبان یا مجلس بگوید که هسر یا دختر فلان کس بدون حجاب بوده یا روزه خوردن بهممان را دیده و یا نماز خواندنش را ندیده ، تا او از فهرست " انسان " ها خارج شود . اما دانشمندان و کارشناسان در رشته‌های گوناگون علمی ، فنی ، اجتماعی و اقتصادی ، یعنی اکثر استادان و دبیران ، پزشکان ، مهندسان ، ... و غیره از این زمره‌اند . یدین جهت طبیعی است اگر نه تنهیا دستگاه‌های اداری و آموزشی ، بلکه مجلس نیز از نیروهای کاردان و مغزهای قسطنطنیه به اندیشیدن و یافتن راه حل های مناسب برای معضلات کشور خالی شده باشد . این را دیگر حاکمیت هم نمی‌تواند انکار کند!

بازار انتخابات در ج ۱۰۱۰ کم کم گرم می - شود . از زبان رهبران طراز اول در روزنامه‌ها می‌نویسند که " مسئله انتخابات آینده از اهم امور است " .
 حاکمیت ج ۱۰ مردم ایران را به چهارفرقه مذهبی تقسیم کرده است: مسلمان ، یهودی ، مسیحی و زردشتی . اما نباید چنین پنداشت که هر مسلمانی یا هر مسیحی‌ای حق انتخاب شدن دارد . مسلمان به شرطی از " پسل صراط " شورای نگهبان خواهد گذشت که اولاً شیعه ، دوازده امامی باشد و ثانیاً منکر ولایت فقیه نباشد . شاید از حدود " يك میلیار د " مسلمان دنیا تنها ده - پانزده میلیون تن در این قالب تنگ بگنجند . تمام فرقه‌های سنی و همچنین انواع شیعه و جریانهای اسلامی زمان معاصر ، نظیر مجاهدین خلق ، نهضت مجاهدین که کوشیده باشند تعالیم اسلامی را بر شرایط دنیای معاصر منطبق کنند از حقوق اجتماعی محرومند . برای مسیحی‌های ایرانی ، علامت زوادی هم شرط است ، یعنی باید ارمنی باشند . ایرانی مسیحی شده ، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ندارد . برای یهودی ها هم وضع به همین منوال است . هر کس که زوادی از قوم یهودی اسرائیل باشد ، اگر مراسم مذهبی خود را بجا آورد و به تورات سوگند بخورد ، اجتماعاً می - تواند رای هم بدهد ! برای بقیه ادیان و فرقه های مذهبی که در ایران از زمان قدیم وجود داشته‌اند و دارند حاکمیت اسلامی هیچگونه حق اجتماعی قائل نیست .



های انتخاباتی را تشخیص دهند . مردم تنها به کسانی می‌توانند رای بدهند که امام جمعه محل ، امام جمعه مراکز استانها و از همه مهمتر شورای نگهبان آنان را برگزیده و تأیید کرده باشد . دستگاه پلیسی " تشخیص صلاحیت " ج ۱۰ کاملاً " هوشیار " و " بیدار " است تا مبادا يك غیر " مکتبی " به مجلس راه یابد .
 اما تجربه تلخ چهار سال گذشته ، به ویژه به هنگام انتخابات میان دوره‌ای نشان داده است که امامان جمعه و جماعت و نیز اعضای شورای نگهبان ، اصولاً اجازه نمی‌دهند " افراد با کفایت و متخصص " و کسانی که " احتیاجات مملکت " را می‌شناسند در انتخابات شرکت کنند و در معرض داوری رای دهندگان قرار گیرند . هر کس که کوچکترین " غشی " در اعتقادات " مکتبی " اش وجود داشته باشد ، صرف نظر از دیگر جوانب مثبتش ، از نامزدی انتخابات بقیه در صفحه ۷

گاه در " بیانات " و " فرمایشات " این و آن دولتمرد ج ۱۰ ، برای خالی نمودن عریضه گوشزد می‌شود که نمایندگان " انتخابی " باید " صلح به صلح و مفاسد کشور باشند " یا " در مسائل سیاسی و انقلابی ضعیف نباشند " . ولی باید گفت که بسیاری از نمایندگان کثونی ، که در واقع برگزیدگان شورای نگهبان هستند نه تنها ضعیف و ناآگاهند بلکه افراد " خصی " هم نیستند . علاوه بر این حاکمیت اسلامی ، بر خلاف قانون اساسی مجلس را ارگانی مسلوب - الاختیار قرار داده و به صورت زائده " یسک ارگان غیر انتخابی ، یعنی شورای نگهبان در آورده است . مجلس برای تصویب " قوانین باید قبلاً نظر موافق شورای نگهبان را جلب کند ، به طوری که در حساب آخر ، شورای نگهبان - این مجلس سنای حاکمیت اسلامی - از د و س و نمایندگان مردم را در میان منگنه گذاشته

به جز در جمهوری آفریقای جنوبی که رنگ پوست و نژاد و اسرائیل که اعتقاد به دین یهود ، شرط " انسان به حساب آمدن " است ، تنهیا در نظام اجتماعی عقب مانده " لبنان است که می - توان چیزی شبیه این تقسیم بندی اهالی را از نقطه نظر مذهبی - نژادی مشاهده کرد . در بنیان رئیس جمهور باید مسیحی مارونی ، نخست وزیر مسلمان سنی و رئیس مجلس مسلمان شیعه باشد و بقیه اقلیت های مذهبی و نژادی لبنان " سهمیه " معینی را برای اعزام نمایند به مجلس در اختیار دارند .
 در ج ۱۰۱۰ محدودیت ها از این هم بیشتر وضع اجتماعی باز هم اسفناک تر است . زیرا اقل در آفریقای جنوبی و اسرائیل و لبنان ، انش آموزان و دانشجویان را از غربال تفتیش قاید نمی‌گذرانند و آنها را از دبیرستان و دانشگاه بیرون نمی‌اندازند ؟ و زنان " حق " بیش از فت و آمد از آشپزخانه به اطاق خواب در اختیار آرند !
 واقعیت اینست که سردمداران ج ۱۰ به نام جلس شورا ، انگ اسلامی زده اند تا قشیر ستردهای از دانشمندان و روشنفکران ایرانی را - که مانند دیگر همکاران خود در سایر کشور های جهان ، پای بندی خاصی به اجرای مراسم هبی ندارند - از حق انتخاب شدن محروم

تامین حقوق حقه و شرافتمندانه خلق کرد، درگرو سرنوشت انقلاب است!

بقیه از صفحه ۱

عوامل "ضد انقلاب" و برافراشتن پرچم —
 چ ۱۰ در این منطقه اعلام کرده اند.
 چنانکه از شواهد و قرائن بر می آید لبه تینز
 حملات نیروهای نظامی چ ۱۰ در این عملیات
 متوجه شهرها و روستاهای کردستان که در جوار
 مرزهای عراق قرار دارند بوده است. از تمام سرو
 صداها و ادعاهای مبنی بر پیروزی در این عملیات
 و در هم شکستن مواضع ضد انقلابیون در این
 منطقه - اگر منطبق با واقعیات باشد - می -
 توان به آسانی حدس زد که کسب این "پیروزی"،
 به بهای سنگین مرگ و بی خانمانی هزاران تن
 از زحمتکشان خلق کرده شد تا دهقانان محروم
 سرزمین رنج دیده کردستان، بدبختی آمده
 است. شهرها و روستاهای کردستان، صحنه درگیریهای
 مرگباری است. قربانیان این کشمکش خونین مردم محرومی
 هستند که پیش از ۴ سال است از زمین و آسمان
 بر آنان گلوله های تیر و توپ و موشک می بارند.
 اکنون دیگر روشن شده است، که نصیب این
 مردم، از چنین جنگ غیر ضرور و هستی سوز جز
 کشتار و آوارگی و زجر چیز دیگری نبوده است.
 شعله جنگ در کردستان چند هفته پس از
 پیروزی انقلاب روشن شد و به سرعت به یکی از
 مسائل حادیتلا به جامعه ما بدل گردید. آغاز
 این درگیری خونین، هنگامی که بیش از هر زمان
 دیگر، وحدت نیروهای ضد امپریالیستی - یک
 ضرورت بنیادی برای انقلاب بود، لطامت جدی و
 فراوانی به روند زرفش انقلاب وارد آورد.
 در آن هنگام امپریالیسم و همه متحدان
 داخلی آن در صدد بودند، با تشبیه به هر
 دستاویزی مبارزات مردم میهن ما، علیه امپریا -
 لیسم را به مبارزات میان صفوف مردم بسدل
 کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ های داخلی،
 وحدت خلق ها و زحمتکشان میهن مان را خدشه
 دار سازند. بحافل جنگ افزویع از غارتگران
 داخلی و راستگرایان در حاکمیت چ ۱۰ نیز
 از همان ابتدا با نادیده انگاشتن حقوق
 عادلانه و طبیعی خلق های ایران، از جمله خلق
 کردها، سیاست های سرکوبگرانه و جنگ طلبانه
 زمینه لازم را جهت گسترش دامنه مناقشات و
 تبدیل آن به سدی در مقابل پیشرفت انقلاب
 فراهم آوردند. سیاستی که تماما در راستای
 خواسته های امپریالیسم و ضد انقلاب سیر می کرد.
 اعزام نیروهای ارتش و سپاه پاسداران، جهت
 سرکوب خونین حق خود مختاری خلق کرد در
 ایران واحد و آزاد شده از بندهای امپریالیسم و
 ارتجاع سلطنتی، محاصره اقتصاد و جلوگیری
 از ورود هرگونه مایحتاج عمومی به سرزمین
 کردستان و تبلیغات مسموم کننده در رابطه با
 مسئله ملیت ها، و به ویژه خلق کرد، نمونه این
 سیاست امپریالیسم پسندانه حاکمیت بوده و
 هست.

به رغم تلاش های همه سویه نیروهای انقلابی
 کرد و دیگر احزاب و سازمانهای انقلابی، از جمله
 حزب توده، ایران، برای رفع و حل مسالمت آمیز
 مسئله کردستان، به سود انقلاب مردمی ایران،
 به سود حقوق حقه خلق کرد مبنی بر خود مختاری
 و رفع ستم اجتماعی و ملی، حاکمیت چ ۱۰ بر
 سیاست سرکوب خونین و حل نظامی مسئله
 کردستان پافشاری کرد و به آن ادامه داد. شمره
 این چهار سال جنگ خونین در این منطقه،
 جز هزاران کشته و زخمی و هزاران خانه، روستا
 و شهر ویران چیز دیگری نیست.
 اما دستگا ههای تبلیغاتی چ ۱۰، از
 مطلب به کلی دیگری سخن می گویند؛ از ادعا
 های دروغین "کرد خواهی"، از رسیدگی
 به وضع "خلق مسلمان کرد"، از تأمین خواست
 ها و نیازهای آنان، از ساختن جاده، حمام،
 مدرسه و ... ولی چه کسی باور دارد، که در
 این عقب ننگ داشته ترین مناطق ایران، چنین
 اقدامات "عمرانی و سازندگی" صورت گرفته
 باشد! واقعیت اینست که پس از انقلاب
 کردستان و خلق کرد، بیش از هر زمان دیگر با
 فقر و محرومیت و ناامیانی و خرابی و ویرانی
 دست به گریبان بوده است.

خواسته های خلق کرد بر حق و شرافتمندانه است!

خلق کرد، که همراه دیگر خلق های ایران
 انتظار ریشه کن شدن مناسبات ستم شاهی را
 پس از انقلاب در تمام ابعاد آن داشت و در
 آزوی گشوده شدن دروازه های آزادی و عدالت
 به روی خود بود با پاسخی به کلی متفاوت رویرو
 شد؛ نخستین "جمهوری" ایران، که می بایست
 برای اولین بار در تاریخ این کشور، یوغ ستم ملی
 را از گردن این خلق ستمدیده بگسلد، جسز
 سرکوب خونین، آوارگی، ویرانی و مرگ چیز دیگری
 برای این خلق به ارمغان نیاورد.
 این که برهائی هر گونه حکومت خود مختار،
 در چار چوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی
 ایران، پسند ارتجاع و امپریالیسم نبوده است،
 مطلب تازه ای نیست. خلق محروم کردستان،
 هم در زمان سرکوب بی رحمانه نهضت ملی -
 دمکراتیک خود به دست عوامل رژیم شاه و هم
 اکنون که مورد تاخت و تاز و بیرش امپریالیسم و
 ارتجاع قرار دارند گفتند و می گویند:
 "ما خواستار حقوق ملی خویش در چار چوب
 کشور واحد خود ایرانیم. ما از انقلاب بزرگ
 میهنمان، که در راهش قربانیهای بسییماری
 داده ایم، انتظار داریم به این خواسته های
 مشروع و عادلانه ترتیب اثر دهد. ما خواستار
 از بین رفتن فقر و محرومیت و عقب ماندگی
 هستیم. ما می خواهیم، که حیثیت انسانی ما
 خدشه دار نگردد. می خواهیم این حق طبیعی

به ما داده شود، که از خود مختاری اداری و
 فرهنگی برخوردار گردیم."
 اما این خواست های عادلانه، پس از
 پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ نیز درگیر و ارتوطیسه
 های امپریالیسم و ارتجاع به جنگ خونینی علیه
 خلق کرد انجامید و به سد بزرگی در راه حل و
 عملی ساختن یکی از بزرگترین وظایف انقلاب،
 یعنی مسئله ملیت های ساکن ایران و همچنین
 به تقویت و تثبیت سیاست ضد دمکراتیک در
 حاکمیت چ ۱۰، بدل شد.
 در مقابل خواست خلق کرد و نیروهای مترقی
 میهن دست حاکمیت چ ۱۰ گرایش بی گیسر
 خویش را به استفاده از راه حل نظامی برای
 "حل مسئله ملی" و سرکوب خلق کرد به نمایش
 گذارده است.
 حزب توده، ایران پارها تأکید کرده است که،
 "مسئله کردستان، مسئله ای است اجتماعی -
 اقتصادی و فرهنگی و قبل از همه سیاسی، مسئله
 خلق ستمدیده و محرومی است، که حق دارد
 خواهان رهایی از ستم ملی باشد و بدون رفع
 ستم اجتماعی و ستم ملی راه آزادی و سعادت و
 ترقی به روی او پاژ نخواهد شد" (اعلامیه
 کمیته مرکزی حزب توده، ایران، مردم شماره ۷
 سال ۱۳۵۸).
 از این تجربیات تلخ، هرگز تلاش همه جانبه
 برای همسو و هماهنگ کردن مبارزه برای حل
 مسئله ملی در کردستان، با مبارزه خلق های
 ایران، در راه نجات انقلاب ضد امپریالیستی و
 مردمی ایران از شکست نهایی، درس دیگری
 نمی توان و نباید گرفت.
 امروز حاکمیت چ ۱۰ با چرخش همه جانبه به
 راست، دروازه های کشور را به روی امپریالیسم
 جهانی گشوده است. سیاست سرکوب در قبال
 مردم زحمتکش کردستان را به سراسر ایران تعمیم
 داده است و هستی انقلاب را به ورطه شکست
 و نابودی کشانده است. در چنین شرایطی،
 حل واقعی مسئله ملی در جهت احقاق حقوق
 حقه و شرافتمندانه خلق کرد و دیگر خلق های
 میهن ما مبنی بر حق برخورداری از خود -
 مختاری در سرزمین مشترک همه خلق های ایران،
 بیش از هر روز با سرنوشت انقلاب توأم شده
 است. این عواقب شوم، بار دیگر صحت این
 اصل اساسی سیاست حزب توده، ایران، درباره
 مسئله ملی را تأیید می کند که "حل مسئله ملی
 در میهن ما، با پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک
 ایران پیوند تنگاتنگ دارد."
 از این رو وظیفه تمام انقلابیون راستین و
 ضد امپریالیست و میهن دوستان واقعی اینست،
 که با برهائی جبهه متحد خلق، شرط ضرور
 نجات انقلاب و اجرای اهداف آن را فراهم
 سازند.

چرخش به راست حاکمیت تثبیت می شود!

● دوران "انتقاد منصفانه" مدت‌هاست سپری شده

بقیه از صفحه ۱

حاکمیت آقای خامنه‌ای، در مصاحبه مطبوعاتی بین‌المللی، در لحظاتی که چماق دخالت نظامی امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا بالای سرماست، با اعتماد به نفس تمام دخالت نظامی امپریالیسم در ایران را "بعید" و "غیر محتمل" ارزیابی می‌کند، و از "پختگی" و درایت آمریکائیکها سخن می‌گوید. (راه توده - شماره ۶۸)

آمریکائیکها، برای اثبات صحت ارزیابی‌های رئیس‌جمهور و پیشبرد خط تسلیم‌شدگان در حاکمیت آمادگی کافی دارند. هفته بعد هواپیما هلی آمریکایی در بمباران بعلبک که طی آن ۱۴ پاسنل ایرانی کشته شدند، شرکت نمی‌کنند؟ عملیات آشکارا با رهبری سیاسی و هماهنگی نظامی نیروهای آمریکایی و به تلافی کشته شدن صدها تن از اشغالگران لبنان که اکثر آنان تفنگداران دریایی آمریکا هستند صورت گرفته است. چ ۱۰ تنبیه می‌شود، اما با ظرافتی که اعتبار تسلیم‌شدگان کمتر مخدوش گردد و مزه "حلوا" ضایع نشود.

این رسوایی سیاسی تا آنجا با مخالفت گسترده مردمی روبروست، که دنیالروهای سازش نیز ناگزیرند از آن تیبری بچوبند. آیت‌الله جنتی می‌گوید:

"شما خیال می‌کنید با ماهیت آمریکا آشنا شد‌اید. آمریکا یک عنصر خطرناکی در جهان است. جنایت‌هایی می‌کند که پاور کردنی نیست. امروز جز برخورد قاطع با آمریکا و دیگر قدرت‌های استعماری هیچ راهی برای مستضعفین نیست."
آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران می‌گوید:

"بسیار محتمل است که تجاوزگران بیسن-مللی، دست به یک ماجراجویی در خلیج فارس و اطراف ما بزنند، یک دیوانگی و ریسک کنند. ما برای چنین روزی باید آماده بشویم. اگر آنها هم به سراغ ما نیایند، ما باید سراغ آنها برویم" (راد یو ایران - ۴ آذر ۶۲).
اما آنان به مردم نمی‌گویند آمریکائیکها در وشش انحصارات چند ملیتی مدتهاست که ه سراغ ما آمد‌ه‌اند، به مردم نمی‌گویند که دست امریکائیکها در آستین اسرائیل و فرانسه، سرداران ایرانی را به خون کشیده است. آنان، ویژه از کنار این واقعیت که استراگرایان و تسلیم‌دگان و از جمله رئیس‌جمهور و رئیس شورای ملی دفاع کشور، رهبری سازش با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا رابه عهده‌ارند، می‌گذرند. نتیجه آنست که در پشت سر دمی که با این مخالفت خوانی‌های سازشکارانه فریبنده سرگرم می‌شوند، سازش با امپریالیسم ریکا بیش از پیش تثبیت می‌گردد و روند تیرتیر یکا و توجیه تسلیم به مطامع امپریالیسم تا جا گسترش می‌یابد که معاون سیاسی وزارت

خارج اعلام می‌کند:

"ما فکر می‌کنیم خود آمریکایی‌ها هم از صدام نا امید شده باشند."

به عبارت دیگر جنگ با عراق هم، دیگر جنگ با آمریکا نیست.

سازش پشت پرده حاکمیت چ ۱۰ تا آنجا پیشرفته است، که حتی دولت اسرائیل نیز به طمع آن افتاده است از این نمد کلاهی بسازد. راد یو اسرائیل می‌گوید:

"پاسداران دولتی و حزب‌اللهی‌هایی که در لبنان فعالیت می‌کنند، با آنکه ظاهراً در راه انجام هدفهای حکومت اسلامی ایران فعالیت می‌نمایند ولی در حقیقت آلت دست دولت سوریه و در عمل مجری هدف‌ها و توطئه‌های توسعه طلبانه حکومت بعث دمشق هستند."

راد یو اسرائیل حتی ادامه جنگ ایران و عراق را به مطامع توسعه طلبانه سوریه نسبت می‌دهد.

لحن آشتی جویانه و موعظه گرانه این گفتار، به خوبی نشان می‌دهد که بر مضمخ مخالفت خوانی‌های دنیالروانه سازشکاران، چ ۱۰ تا کجا در جاده سازش با امپریالیسم جهانی پیش رفته است.

تحولات داخلی نیز بیانگر تثبیت اوضاع به سود راستگرایان است. سخنگویان راستگرایان امروز همه دستاورد های انقلاب را، تنها راه‌هایی مستضعفان قلمداد می‌کنند. "راهی برای حمایت از محرومان و مستضعفان نیست مگر برگشت به احکام اسلام و به دور ریختن بدعت‌ها از قبیل قیمت‌گذاری و سهمیه‌بندی. . . . و قانون‌های خلاف شرع مجلس طاغوت و شورای انقلاب. . . ."

امر مستضعفین اصلاح نمی‌شود مگر به اصلاح امر سرمایه‌دارها" (رجبعلی طاهری - نماینده کازرون - اطلاعات ۲۸ آبان ۶۲).

تسلیم‌شدگانی که ادعا می‌کردند با عقب‌نشینی داوطلبانه در برابر یورش کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، می‌توان "خوی کساح نشینی" آنان را اصلاح کرد، اینک در انتهای بیراهه تسلیم، اظهار عجز می‌کنند.
"براستی دولت چه کند؟ پر و پالاش را شکسته و در قفس را هم بست‌ه‌ایم، انتظار پرواز هم داریم."

آنان که سرکوب ناجوانمردانه حزب توده ایران را وجه‌المصلحه تبرئه خود از اتهام "گرایش به سوسیالیسم" قرار می‌دادند، اینک با وجود خوش رقصی‌های بسیار در این زمینه، در هر اقدام اصلاح طلبانه جزئی نیز، خود را با همین شانناژ روبروی بینند. "دولت، لایحه مالیات بر بخشی از املاک را به مجلس داده است، هنوز به جلسه علنی نیاورد از گوشه

و کنار صداها بلند می‌شود که اینها تزه‌های سوسیالیست هاست."

مدافع سرسخت دولت تسلیم طلبان ادامه می‌دهد:

"... اقلیت چیزداری . . . نه تنها خود را متولی بازار و بخش خصوصی می‌دانند، بلکه خود را متولی اقتصاد کشور می‌دانند. . . . این جماعت با حمایت محافلی که از گوشه و کنار حمایتشان می‌کنند، قصد آن دارند که دولت را ملوک و از صحنه خارج سازند و مجلس را قبضه کنند و بر سر ما بپاورند آنچه را که حرث و نسل را هلاک و تباہ می‌سازد." (محمد اخلاقی نیسا - نماینده سیرجان - اطلاعات ۲۸ آبان ۶۲).

در شرایطی که عالی‌ترین مقامات و نهاد های جمهوری، تابع و مدافع به خیال آقای اخلاقی نیسا، اقلیت ناچیزند، جریان تحولات جز به سود آنها پیشرفت نخواهد کرد.

در همین حال، ناراضی‌ها و اعتراض در میان توده‌های مردم گسترش می‌یابد. زمه‌های ناراضی‌ها عناصر وفادار به آرمانهای انقلاب به ویژه در بدنه نهاد های در اختیار حاکمیت اوج می‌گیرد. حتی در مجلس شورا، اقلیت ضعیفی از نمایندگان با گسترش و ژرفش مواضع انتقادی خویش نسبت به مجموعه حاکمیت، از آرمانهای انقلاب دفاع می‌کنند. بسیاری از مسلمانان انقلابی، گردش به راست حاکمیت را بیش از پیش باور می‌کنند و به جستجوی راه‌های نوین ادامه مبارزه بر می‌خیزند. در جو رعب و خفقان حاکم بر کشور، اعتراضات و ناراضی‌ها و جستجو‌ها و تلاشهای انقلابی، بطور عمده مخفیانه شکل می‌گیرند و اغلب به طور غیر مستقیم انعکاس می‌یابند. مقاومت منفی در برابر حاکمیت، وسعت روزافزون می‌یابد. اعتبار سیاسی سخنگویان پیشیمن گرایش های خلقی و ضد امپریالیستی که به سازش‌ننگینی با امپریالیسم و راستگرایان و تسلیم‌شدگان تن داده‌اند، بیش از پیش متزلزل می‌شود. انعکاس این واقعیات در بالا، در میان سازشکاران دنیالرو، کلاف بحران حاکمیت را سردرگم تر می‌کند.

نزدیک شدن انتخابات مجلس، درگیری در میان جناح های مختلف حاکمیت را بیشتر کرده است. در این میان سازشکارانی که قصد آن دارند، که جنبش اعتراض به سازش با امپریالیسم و ارتجاع را مهار کنند و چه بسا آگاه یا نا آگاه، آنرا در چهار چوب تحولات اصلاح طلبانه و سازش دوباره به بند بکشند، مخالفان دولت را به پشتیبانی از انتقادات بی‌رمق و مصلحت‌اندیشانه برخی از نمایندگان مجلس می‌خوانند.

به دنبال تشویقی که آیت‌الله جنتی از استیضاح کنندگان وزیر کشور به عمل آورد،

بقیه در صفحه ۱۶

اعتراضات شدید مردم شیراز یکبار دیگر قشریون ج.ا. را به عقب راند

● کوشش مقامات شهر شیراز برای زنانه کردن اتوبوسهای مسافری با اعتراض شدید مردم این شهر روبرو شد و به شکست انجامید

چنانکه روزنامه‌های مجاز کشور، از جمله کیهان مورخ ۲۹ آبان ماه گزارش داده‌اند، طرح زنانه کردن اتوبوسهای مسافری که از سوی شهرداری شیراز، در پشت درهای بسته و دور از چشم و گوش مردم آماده و به اجرا درآمده بود، در اولین ساعات با مخالفت و اعتراض شدید مردم مواجه گشت. این اعتراضات، سرانجام مسئولان شهر شیراز را واداشت تا در اولین ساعات، اجرای آن را متوقف سازند.

بسیاری از شهروندان شیراز در تماس‌های تلفنی با خبرنگاران این روزنامه، تصمیمات مغایت شهر را بزرگترین توهین به مردم "خواندند". یکی از شهروندان شیراز در تماس تلفنی خود با خبرنگار روزنامه کیهان اظهار داشته بود:

"اگر جوانی مریض شود و پدرش در محل نباشد، مادری باید با یک اتوبوس و مریض خود را یا یک وسیله نقلیه دیگری به بیمارستان برساند و این روش اصولی نیست".

خانم دیگری در تماس تلفنی خود گفته است:

"با اجرای این طرح اگر زن و شوهری بخواهند برای خرید به بازار بروند باید هر کدام با یک اتوبوس خود را به بازار برسانند!"

شهروند دیگری نیز اظهار داشته بود:

"اجرای چنین طرحی، بزرگترین توهین به مردم مسلمان این شهر است" (کیهان ۲۹ آبان ۶۲).

از مفاد گزارش‌های مطبوعات مجاز، (به

استثنای روزنامه جمهوری اسلامی، که اعتراض وسیع مردم را سانسور کرد) و اجبار مسئولان در متوقف ساختن این طرح "توهین آمیز" می‌توان به شدت و وسعت اعتراض مردم پی برد.

پند نیاموختن از حوادث، از خصوصیات حاکمیت جدا از مردم و کوردلان است. در تابستان ۶۱، مردم تهران در برابر چنین اقداماتی از سوی شهرداری تهران و مسئولان شرکت واحد مقاومت کردند. این مقاومت‌ها باید به مسئولان شهرداری شیراز می‌آموخت که تحمل مردم در مقابل رفتار موهن و تحقیر آمیز حاکمیت ج.ا. تا محدود نیست.

در واقع این اولین کوشش قشریون و پس‌نگر حاکم بر جان و مال مردم نیست، که با سس استفاده از باورهای مذهبی و با ظاهری آرایش شده در لباس "شرعی" زنان میهن را از خیابان و جامعه به گوشه خانه و "مطببخ" تبعید کنند و حقوق اجتماعی آنان را پایمال سازند. اتخاذ تصمیمات ارتجاعی از این دست، منبعث از طرز تفکر عقب افتاده و قرون وسطایی مسئولیتی است، که انسان را بر اساس "جنسیت" به دو نوع "کامل" و "نیمه" تقسیم می‌کنند. اینسان معتقدند، که زنان به عنوان انسانهای ذرجه دوم، که هرگز به "ایمان کامل" دست نمی‌یابند، مجاز نیستند در محامع کنار مردان ظاهر شوند و در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی فعالیت داشته باشند؛ حق

ندارند و شادوش مردان در روند تولید سازندگی کشور ما مداخله کنند؛ حتی تدارک به صدای بلند صحبت کنند و حتی راه رفتن یا گوناغی که صدای پایشان شنیده شود، نگاه محسوب می‌شود. آیا این همان سیاست فساد انسانی "آپارتاید" نیست که این یار در قالب "شرعی" و بر مبنای تبعیض جنسی بر مرد، انقلابی میهن ما تحمیل می‌شود؟! این اقدامات که با نقض خشن اصول مترقی قانون اساسی همراه است، هر روز بیشتر محتوای "تبعیض جنسی" خود را عیان و حیات اجتماعی میهن ما را به نوعی با کشورهای نژاد پرست آفریقای جنوبی همسو و هم‌آهنگ می‌سازد. این اقدامات واپس نگرانه و توهین آمیز با تسلط روز افزون قشری گری و مقدس مآبی راستگرا روز به روز توسعه می‌یابد و سایه خود را بر تمام عرصه‌های اجتماعی می‌گسترده. کشیدن پرده سیاه در کلاس‌های درس دانشکده‌ها و جدا کردن دختران دانشجو از سایرین، محبوس کردن تعداد زیاد کارمندان زن در اتاقهای کوچک و نصب تابلوی "ورود برادران ممنوع"؛ راه انداختن کارزار تبلیغاتی درباره زنان به عنوان ارتکاب گناه گراهی مومنین؛ بخش کوچکی از اعمال این سیاست شرم آور را نشان می‌دهد.

این نکته شایان توجه است که روزنامه جمهوری اسلامی، نه تنها این حوادث را مسکوت گذارد و اعتراض به حق مردم شیراز را در صفحات خود منعکس نکرد، است، بلکه روز بعد از این تظاهرات، با درج خبر به اصطلاح "راهپیمایی یا شکره خواهران در شیراز علیه بی‌حجابی" با تلافی جوئی نیز برخاسته است. روزنامه جمهوری اسلامی حتی با چاپ این جمله که "تظاهر کنندگان از دادستانی انقلاب و قوای انتظامی خواهان شدت عمل در مقابل بی‌حجابان مغرض شدند"، عطا به استفاده از چماق سرکوب نارالله، که این روزها با رژه قدرت خ را به رخ مردم میهن می‌کشند، علیه چنین اعتراضاتی فراخوانده است.

حق رای بدون حق انتخاب!

مردم می‌پرسند حال که همه امر، چه در سیاست خارجی - مانند "دوستی" پاکستان و ترکیه و دیگر کشورهای وابسته به امپریالیسم، دشمنی با اتحاد شوروی و کمونیسم ستیزی، واردات بی‌حساب از کشورهای امپریالیستی و اقمار آنها، شرکت در جنگ صلیبی امپریالیسم علیه کمونیسم، و چه در سیاست داخلی - نظیر تکیه بر نظام کلان سرمایه‌داری - بزرگ مالکی، سرکوب نیروهای مترقی، متلاشی کردن تشکلهای صنفی - شورایی کارگران و معانجت از تشکیل آنها و اتحادیه‌های دهقانی ... - همه و همه به میل و اراده سردمداران ج.ا. و بدون "مشورت" با مردم و "اخذ رای" از آنان صورت گرفته، "شورای نگهبان" که جانشین "مجلس سنا" شده - و جوامع روحانیت‌های مبارز و ائمه جمعه و جماعت این شهروان که بهر حال نمایندگان مسلمان و متحد و باصلاحیت را، این بار هم بدون مشورت با آنان انتخاب می‌کنند و روانه "مجلس" می‌سازند، چرا برای برپائی نمایشی - به نام "انتخابات" و به اصطلاح "اخذ رای مردم"، عرض خود می‌برند و بر زحمت آنان می‌افزایند؟!

بقیه از صفحه ۴

محروم می‌گردد در عوض افراد دارای پیرونده اختلاس و سوء استفاده از اموال عمومی، نظیر آقایان پوراستاد و خاموشی، به علت قربانیت طبقاتی با حاکمیت و تظاهر به "مکتبی" بودن و اعتقاد به "ولایت فقیه"، با سلام و صلوات مورد تأکید قرار می‌گیرند و سند و قبا به نامشان پیر می‌شود. در واقع هم، اگر مردم به هنگام رای دادن، تنها حق انتخاب کردن "میان اشخاص نظیر پوراستاد و خاموشی و معمم‌های هم فکرشان را داشته باشند طبیعی است که از هر حوزه انتخابیه یک نفر نظیر آنان به مجلس راه می‌یابد و نه آدمی مطلع و با صلاحیت.

انتخابات آزاد به این معنی نیست که ارگان‌های غیر انتخابی به خود اجازه دهند نمایندگان مردم را از صافی تفتیش عقاید و وابستگی بی‌چون و چرا به نظام سرمایه‌داری عقب مانده و مناسبات ارباب - رعیتی قرون گذشته بگذرانند و هر کس که طرفدار توده‌های زحمتکش خلق است و می‌تواند علمی و منطقی بیندیشد تحقیر و مغضوب شود.

مردم می‌پرسند حال که همه امر، چه در سیاست خارجی - مانند "دوستی" پاکستان و ترکیه و دیگر کشورهای وابسته به امپریالیسم، دشمنی با اتحاد شوروی و کمونیسم ستیزی، واردات بی‌حساب از کشورهای امپریالیستی و اقمار آنها، شرکت در جنگ صلیبی امپریالیسم علیه کمونیسم، و چه در سیاست داخلی - نظیر تکیه بر نظام کلان سرمایه‌داری - بزرگ مالکی، سرکوب نیروهای مترقی، متلاشی کردن تشکلهای صنفی - شورایی کارگران و معانجت از تشکیل آنها و اتحادیه‌های دهقانی ... - همه و همه به میل و اراده سردمداران ج.ا. و بدون "مشورت" با مردم و "اخذ رای" از آنان صورت گرفته، "شورای نگهبان" که جانشین "مجلس سنا" شده - و جوامع روحانیت‌های مبارز و ائمه جمعه و جماعت این شهروان که بهر حال نمایندگان مسلمان و متحد و باصلاحیت را، این بار هم بدون مشورت با آنان انتخاب می‌کنند و روانه "مجلس" می‌سازند، چرا برای برپائی نمایشی - به نام "انتخابات" و به اصطلاح "اخذ رای مردم"، عرض خود می‌برند و بر زحمت آنان می‌افزایند؟!

مسائل انقلاب و مواضع ما: فرخ نگهدار،

مردم در برابر غلبه سیاست را نشان خن

خلق باشد؟ در چنین شرایط میان مردم شریکتر و سازمانگرا نه گره دشوار است. سندیگاری و هنر و هنر سازمان ت پیروزی از آن کسی است که آگاهی و درکار سازمانگرا هر امکانی هر چند کوچک هم ما فعالین فدائی و تولید را نیاز بهرم انقلاب و انقلاب اعلام کرده ایم. حزب بیشتر در راه افزایش تولید سرتگون شده که خواهان اخلا دفاع همیشه بصورتی بوده است توطئه های خرابکارانه امپریالیست با روی آوردن کارگران به حر کوشش داشته ایم که کارگران ارسال طومار از طریق انعکاس از این قبل برای تأمین خواست کارگران به تولید و در نتیجه حاکمیت در برابر امپریالیسم روی اتحاد طبقه کارگر و سایر تأثیر تخریبی داشت.

اکنون شرایط تغییر کرده امپریالیسم و طبقات سرتگون در برابر خواست توده های مرد بخصوص در برابر کارگران دار توکل که امام او را "مرد هائیت های حل اختلاف را متعاضقن قانون اساسی و حتی صلاحیت دادگاه های انقلاب است. بشوای کاملاً خودسرا این هائیتها در وزارت کار داده اند. تا با کارگرانی که از کنند که با سازمانها و احزاب زحمتکشان می کنند. بیشتر پیوسته طبقه کارگر بنگمانند که حکومت برابر خواست کارگران و حتی است.

اکنون که حکومت سیاست د پیش گرفته است پیش روی طبیا متحد و متشکل خود ننانده اند حمایت از محرومین جامعه حرکت جنب محرومین نمی رود. افزایش به ایتار و ندادگاری بیشتر برای که زمین سرمایه داران آن را ادامه زندگی خود اجباراً "شار امکان دارد در این با آن من دیگری بسج گردد. و این راه اساسی ترین شعار کارگران، هموار جهاول می بندوبار سرمایه داران

می بپردازند. ما باید اجاره بدیم که یکبار دیگر نسخه های امپریالیسم و سرمایه داری به مین ما تحمیل شود. آنها درست وقتی که توانستند مشی خود را در حکومت غالب کنند قبل از هر کار بروی حزب طبقه کارگر ایران تیغ کشیدند، زیرا خوب می دانستند که این حزب هرگز در برابر این سازشها و خیانتها نه شکست می نشیند و نه به آن تن می دهد. آنان خوب می دانستند که اگر حزب دست نخورده بماند فردا که سیاست راست بر کشور غالب شد مردم به باری حزب در راه تغییر سیاست حاکم بر کشور و احیای سمت گیری مردمی در حکومت می رزمند و با اعمال قدرت انقلابی خود امید ارتجاع برای تحکیم پایه های سرمایه داری و وابستگی را به یاس مبدل می سازند.

این تلاش راستگرایان و سازشکاران چه وظیفه ای را بر عهده ما می گذارد؟ وظیفه ما کاملاً "روشن است. اکنون که سیاست بورژوازی بر کشور حاکم شده است هر یک از ما تا هر کجا که می تواند باید سعی کند توده های خلق گمراه نشوند و چنان قدرتی بدست آورند که بتوانند انقلاب را از مهلکه و نیستی نجات دهند. زیرا اکنون یگانه امید ما به بیداری و متشکل توده های وسیع خلق است.

آموزش مهم مارکسیسم - لنینیسم در "سازش" طبقاتی و انقلاب به ما راه انجام این وظیفه انقلابی را نشان داده است. این وظیفه همان وظیفه اساسی و همیشگی ما یعنی کار توده های با مضمون مبارزه در راه تربیت و متشکل توده مردم زحمتکش است. بخصوص هر کام کارگران بسوی کسب آگاهی طبقاتی و انقلابی و هر کوشش آنها در جهت متشکل در سازمانهای سیاسی و سندیکایی از همه وظایفی که بر عهده یک عضو حزب طبقه کارگر قرار دارد مهم تر و اساسی تر است. تا دیروز که نیروهای حاکم هنوز برای همراهی با انقلاب از خود آمادگی نشان می دادند، کار توده های ما به منظور ایجاد یک قدرت مستقل توده ای برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن بود. این کار در عین حال مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت را هم تقویت می کرد. تقویت مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت و پشتیبانی از آنها راه پاسخگویی به مطالبات و خواست توده های خلق و در راس همه احزاب اصول انقلابی قانون اساسی بود.

امروز نمی توان از نقش فائده نیروهای در حاکمیت صحبت کرد که اقتدر قدرت داشته باشد که بسواد این انقلاب را به جلو برده یا حتی جلوی بازگشت آن را بگیرند. به همین دلیل امروز موضوع بسیج توده ها جنبه پشتیبانی و تقویت مواضع خط حاکم بر کشور را برای پیشبرد انقلاب ندارد. زیرا خط حاکم خواهان آن نیست اما اصل این موضوع یعنی بسیج توده ها برای تأمین خواستها و مطالبات آنان همچنان مطرح است. هدف این بسیج اعمال فشار از پائین است.

بدین ترتیب باید گفت اولاً: کار توده ای برای تبلیغ و ترویج و هدایت مبارزه مردم اکنون نه تنها بسیار شریکتر بلکه برای تمام انقلاب بسیار بسیار مهم و سرنوشت ساز است. ثانیاً کار توده ای کاری است آگاهی بخش و سازمانگرا با هدف ایجاد یک قدرت متشکل و آگاه و مستقل توده ای که بتواند اراده خود را در برابر سرمایه داری و امپریالیسم قرار دهد. ثالثاً کار توده ای در شرایط آتی متوجه بسیج نیروها برای اعمال فشار از پائین برای تحقق خواستها و مطالبات مردم است. مبارزه توده ای در آینده قبل از همه صورت یک مبارزه مطالباتی بخود خواهد گرفت.

در شرایط نوین این سؤال بار دیگر طرح خواهد شد که چه کسی راست می گوید؟ در شرایطی که حکومت برآمده از مردم به آنان پشت می کند، و اوضاع کدام جریان می تواند پاسخگویی خواستها و آرزوهای



پرسن: مردم در برابر غلبه سیاست راست در حکومت چه واکنشی نشان خواهند داد؟

پاسخ: نخستین نکته اینست که پوشش های مذهب نمی تواند ماهیت اقدامات حکومت را پنهان کند. در جریان سرکوب حزب توده ایران و فجاج تلویزیونی، علیرغم تمام صحنه سازیها، حکومت نتوانست تأیید مردم را بدست آورد. اعتماد مردم به رژیم که این چنین نزدیکترین متحدان خود را سرکوب می کند، بحق مورد پریشی آنان قرار گرفت. آنها قبل از آنکه قریب صحنه سازیهای رژیم را بخورند، رژیم را بخاطر ناجوانمردیش محکوم ساختند. شکست شوی تلویزیونی حکومت ادامه منطقی داوری مردم درباره تمام سیاستهای حکومت است. در حکومتی که زمین را از دهقان می گیرد و از چپاولگری بازار حمایت نمی کند، قانون کار آتجنانی تدارک می بیند و رأفاقی مناسب با امپریالیسم را می پیماید، سهم حزب توده ایران هم فقط چیزی جز سرکوب و شکنجه و شلاق و اعدام نخواهد بود. چشمان مردم بهمان حقایق هرروزه بازتر می شود. ما باید به این داوری قاطع مردم در محکوم کردن این اعمال حکومت بیشتر فکر کنیم. آیا در جریانهای بعد از ۲۰ خرداد و ۷ تیر هم واکنش مردم در برابر اقدامات حکومت همین بود؟ بهیچوجه. در آن زمان هنوز مردم بدرستی حکومت را قویا و فعالانه پشتیبانی می کردند، با این امید که حکومت پاسدار انقلاب باشد. مردم واقفاً هر کاری از دستشان برمی آمد برای تقویت حکومت انجام دادند. اما در طول این دو سال حکومت نشان داد که شایسته این حمایت بدریخ نیست زیرا نمی خواهد به آنچه مردم می خواهند، عمل کند. حکومت جنگ را بی خردانه ادامه داد، همه قوانینی را که بسود مردم بود مطلق کرد. راه نزدیکی با غرب را در پیش گرفت، حقوق و آزادی سیاسی قانونی را لغت مال کرد و کوشید هر صدائی در اعتراض به این سیاستها را در گلو خفه کند. مردم هم چشم داشتند و دیدند که حکومت نمی خواهد به آنچه آنها می خواهند، گوش کند. به این دلایل مردم در جریان سرکوب حزب، بهیچوجه از جنایات حکومت طرداری نکردند.

این قضاوت مردم بسیار امیدبخش و شورا آفرین بود. این داوری و آگاهی در حال افزایش نشان می دهد که تا چه میزان مردم آمادگی بازم بیشتر برای شنیدن حرفهای ما یافته اند. بن بست "راه سوم" به ناگزیر و علیرغم تمام اغتشاشا فریبندهای حکومت توده های وسیع خلق را به جستجوی راهی دیگر می کشاند. راه سرمایه داری و امپریالیسم در ذهن مردم بگونه ای احترام تأخیر در برابر راه استقلال و سوسیالیسم قرار میگیرد. اینکه مردم ما سالهاست ستم امپریالیسم و سرمایه داری را تجربه کرده اند و اینکه اکنون به تجربه درمی یابند، افسانه "راه سوم" در حل مهمترین مسائل اجتماعی بار دیگر تا این حد عاجز مانده است، مساعدترین شرایط را پدید آورده است که توده های خلق به حقانیت شعارهای ما و راه عمل های واقفاً، ما

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، د

پراول سازمان فدائیان خلق ایران (اثریت)

بخش آخر

ست در حکومت چه واکنشی اهند داد؟

پاشیدن بذر آگاهیهای انقلابی به یاز ضروریتر است. امروز مبارزه کن نقش و تاثیر شکل‌های سیاسی و ای بمراتب افزایش یافته است. فردا روز بیش از دیگران در پاشیدن بذر میان توده‌ها موفق بیاید. باید از این راه بهره گرفت

در سال‌های اخیر موضوع افزایش سهام از بیکار علیه امپریالیسم و ضد سازمان، طبقه کارگر را به فداکاری مبارزه علیه فسادانقلاب و بورژوازی بر روند تولید بود. فرا خواندهاند. سببای همگرا نه دفاع کرده‌ام. این درجهت تقویت تولید و بخشی سازی باشد. ما در این مدت بطور کلی نیرومند اعتصاب مخالف بوده‌ام و لریق مراجعه به مسئولین، از طریق استهای خود در رسانه‌های گروهی و ن خود اقدام کنند. زیرا اعتصاب قدرت مقاومت مدافعان انقلاب در طبقات سرتگون شده آسیب می‌زد و خلق که در حاکمیت نقش دارند هم

ت. حکومت بجای مقاومت در برابر سیاست نزدیکی با آنها و مقاومت را در پیش گرفته است و این مقاومت خصوصیات سرکوبگرانه هم هست. و خوبی معرفی می‌کند خودسرانه ارد. و دادستانی انقلاب با نقض نال کردن قانون ارتجایی حدود آتم صرحا" ضد قانون اساسی و باهدستی وزیر کار پیشین سهامی گاهبازی باصطلاح انقلاب تشکیل تم کارفرما به تنگ آمدنند همان سیاسی مدافع طبقه کارگر و دیگر وین کار به تنهایی کافی است که به دفاع از سرمایه‌داران و مقاومت در کوب خشن آنان را در پیش گرفته

از منافع کلان سرمایه‌داران را در کارگر هیچ راهی نیز انکای به نیروی . حالا که حکومت دیگر در ست می‌کند. سود افزایش تولید هم به لید که مفهوم آن دعوت از کارگران بد بیشتر بوده است. شماری است بال می‌کنند. طبقه کارگر نیز برای زایش دستمزد را طرح خواهد کرد. جنبش کارگری برای تحقق شمار شغز افزایش دستمزد بمشوان حفظ خواهد شد. کارگران در برابر هموند آز حق حیات خود دفاع

کنند. حکومت قادر نخواهد بود جلوی حرکت حق طلبانه کارگران را بگیرد. تجربه یکساله گذشته نشان می‌دهد که کارگران مجبور بوده‌اند در برابر زورگوییها و قانون شکنی‌ها و فشارهای سرمایه‌داران و دولت برای تعدید بهره‌کشی از کارگران به حربه اعتصاب و تشکیل صندوقهای مستقل کارگری برای دفاع از کارگران احراری متوسل شوند. در همین یکساله اخیر دهه‌ها نمونه حرکت اعتصابی از سوی کارگران واحدهای مختلف صنای وجود داشته است. مطالبه بگای آنها نشان می‌دهد که سیاست ضدکارگری وزارت کارو سوجدونی بی‌سندوبار کارفرمایان و عدم رسیدگی بمخواستها و اعتراضات به حق کارگران نشانه این حرکات بوده است.

در چنین شرایطی استفاده از تمامی اشکال مبارزه، تسوده‌ای کارگران که در راه احقاق مطالبات برحق آنان صورت می‌گیرد نه تنها ممکن بلکه مطلقا ضروریست. آنچه در سیاست ما ثابت و لایتنر است این با آن شکل مبارزه نیست. امروز ممکن است تاکتیک اعتصاب صحیح و فردا نامصحیح باشد. علاوه در زمان واحد نیز در موارد متفاوت باید تصمیمات متفاوت اتخاذ کرد. آنچه در سیاست ما ثابت و لایتنر است دفاع تا به آخر از منافع صنای و سیاسی طبقه کارگر و همه رزمندگان است. امروز که حکومت راه دفاع از منافع بازاربان و دیگر سرمایه‌داران را در پیش گرفته است کارگران و رزمندگان هم چاره‌ای ندارند جز آنکه راسا از منافع صنای خود دفاع کنند. در چنین شرایطی ما هیچک از اشکال مبارزه صنای مستقلی کارگران را بطور کلی رد نمی‌کنیم. ما خواهیم کوشید با اعتصاب شکل صحیح مبارزه، توده کارگران را در رسیدن به خواستها و طرح اعتراضات خود تا هر حد ممکن یاری دهیم.

سیاست ضدکارگری که تا چندی پیش فقط در قلمرو وزارت کار سطره داشت اکنون در تمام نهادهای دولتی سطره می‌یابد. در حالی که به سال است حکومت حداقل دستمزد کارگران را ثابت نگاهداشته، سیاستی را دنبال کرده است که بیش از همه به سود بازاربان و دیگر سرمایه‌داران بوده است. دادستان کل انقلاب اجتراف کرده است بازاربان بیش از صد میلیون دلار سود بردانند. سود آنها گاه به چندین صد و حتی چندین هزار برابر افزایش یافته است. سیاست حاکم برکنور این ظلم و حشمتاک را "خرعی" و "اسلامی" معرفی می‌کند و صدای اعتراض مخالفان این سیاست ظالمانه را خفه می‌کند. تمام کسانی هم که این ظلم و حشمتاک را غیرشرعی و غیراسلامی معرفی می‌کنند با برچسب توده‌ای و فدایی و متناقض کوبیده می‌شوند.

فعالین کارگری ما می‌دانند که جنبش شورایی در واحدهای صنعتی ادامه منطقی و تاریخی جنبش سندیکایی ایران است. این جنبش بطور عمیق وجود داشته و درآینده نیز وجود خواهد داشت. تغییر شرایط سیاسی ممکن است اشکال تشکیل این جنبش و یا نام‌های آنرا تغییر دهد اما مطمئنا وظایف و عملکرد آن همانست که بود. هیچ عاملی، حتی سرکوب شدید فاشیستی هم قادر نیست موجودیت عینی این جنبش را نابود کند. این جنبش برای طبقه کارگر کلاس اول درس مبارزه طبقاتی است. از این طریق است که کارگران به تجربه به این نتیجه می‌رسند که خود راسا سازمان سیاسی پیشاهنگ خود را داشته باشند. حتی بعد از سطره سیاست راست در حکومت هم کارگران تسلیم فشار حکومت نخواهند شد و به مبارزه سندیکایی چه درتشکی بنام شورا یا بنام سندیکا یا تحت هر عنوان دیگر ادامه خواهند داد. مبارزه سندیکایی با مضمون حق طلبانه، جز نتیک ناپذیر موجودیت طبقه کارگر است. این مبارزه تعطیل بردار نیست و درست به همین دلیل در هر حال عنوان و شکل خاص خود را

انتخاب خواهد کرد. اتفاقا با اطمینان باید گفت که این مبارزه علیرغم تمام تشنات حکومت روز بروز ضرورتا شکوفاتر می‌شود. البته در این شورا با آن سندیکا، در اینجا و آنجا عوامل ضدکارگری و خادمین سرمایه‌داری خواهند کوشید نفوذ کنند و آن را از خاصیت بهاندازند. اما این تشنات ماهیت عمومی شوراها و سندیکاها را پستابه پشگر مبارزه اقتصادی طبقه کارگر تغییر نمی‌دهد. جنبش سندیکایی جز مهم جنبش انقلابی خلق ما باقی خواهد ماند..

وظیفه عناصر آگاه است که تا هرکجا که می‌توانند و بهر وسیله که می‌توانند به میان کارگران بروند و در هدایت مبارزه سیاسی و سندیکایی آنان نقش هرچه شایسته‌تری را برعهده گیرند. باید مطمئن بود که جز ما بهر جوان سوسیالیسم علمی، هیچ جریان سیاسی و اجتماعی دیگر ضایع خود را در آگاهی طبقاتی و شکل طبقاتی کارگران جستجو نمی‌کند و اساسا قادر نیست این رکن اساسی انقلاب اجتماعی را آنچنانکه باید برپا دارد. ضدهترین نقطه ضعف انقلاب ایران عدم شکل سیاسی و همچنین سندیکایی طبقه کارگر ایران بوده است. فقدان این شکل بود که راه را برای نیروهای مردود و متزلزل و تا مین رهبری آنان در انقلاب باز کرد. این شکل و این آگاهی خود بخود بوجود نخواهد آمد. آن را باید ایجاد کرد و راه آنها فقط اینست که شا اعضای حزب طبقه کارگر ایران به هر شکل ممکن که می‌توانند با کارگران تماس بگیرند، ارتباط‌های خود را با محیط‌های کارگری از هر طریق که می‌توانند برقرار و مستحکم کنند، نشریات سازمان و دیگر نشریات سوسیالیستی را در محیط‌های کارگری توزیع کنند. در بحث شفاهی مواضع سازمان و مضامین نشریات سوسیالیستی را برای آنان نقل کنند و چهره واقعی سوسیالیسم را به رزمندگان بشناسانند.

انتقال این آگاهی‌ها و تجارب سازمان و حزب در هدایت مبارزات کارگری و رسانیدن اخبار جنبش کارگری به کارگران از مهمترین وظایف ماست. این کار اگر درست انجام شود نقش بسیار موثری در شکل‌گیری و گسترش هسته‌ها و محافل کارگری و شکوفایی و پیشرفت شکل سیاسی طبقه کارگر ایران ایفا خواهد کرد.

همانطور که گفتیم برانداختن سطه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان از وظایف مقدم و بسیار مهم انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است. برانداختن و از بین بردن اقتدار ملاکین بزرگ خواست حیاتی دهقانان و همه مردم رزمندگان بوده و هست.

روستاییان ما در دوران رژیم منور پهلوی همواره تحت ستم بزرگ مالکان و حکومت بودند. آنها روستاها را دافعا ترک می‌کردند و در جستجوی نان، به شهرها روی می‌آوردند. زمینهای آنها گرفته می‌شد و دادخواهی آنان برفلحه غاصبین زمین‌ها به جای نمی‌رسید. هر روز که می‌گذشت آنها سهرزوتر می‌شدند و اقتصاد کشاورزی ایران بیشتر نابود می‌شد. شرکت روستائیان در انقلاب و شهدای بیشتر آنان در جنگ با رژیم صدام قبل از همه به امید زمین و آب و دیگر امکانات کار و تولید و نجات زندگی خود از چنگال چهاولگران شهر و ده بود.

پس از انقلاب جنبش دهقانی بسیاری هیاتهای هفت نفره، جهاد و همه هواداران انقلاب، بخصوص فدائیان و توده‌ای‌ها، برای دریافت زمینهای بزرگ مالکان و گرفتن سند رسمی زمین‌ها برای تأمین آب و بذر و کود و وسایل کشاورزی، برای بیمه و تضمین خرید و تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، برای بهبود راههای روستایی و بهبود سطح بهداشت و آموزش و رفاه روستائیان، گسترش می‌یافت. در سالهای پس از انقلاب دهقانان با تشکیل شوراها ده و اتحادیه‌های شوراها، با مراجعه به مطالبات و طومار نوشتن‌ها و دیگر حرکات اعتراضی و مطالباتی، مبارزه علیه بزرگ مالکان و در راه بهبود شرایط زندگی خود را وسعت بخشیدند. آنها همچنین حتی با اقدام مستقل خود در راهین، کوشیدند توطئه‌ها و تحرکات سلطانه و غیرسلطانه فئودالها، خانها و دیگر عوامل فسادانقلاب و راستگرایان را درهم بشکنند و راه تحولات بنیادین را به روستا باز کنند. دهقانان شب و روز در تلاش بودند که با ادامه جریان کاشت و برداشت محصول بنیه انقلاب را تقویت کنند. توده دهقانان با این کار، بویژه با پشتیبانی فعال از هیاتهای هفت نفره واقعا تلاش کردند نیروی کافی برای انجام اصلاحات ارضی واقعی فراهم شود.

سیاست ما، همانگونه که دهقانان در عمل دیدند همواره دفاع تا به آخر از خواستهای برحق آنها بوده و خواهد بود. ما کوشیدیم دهقانان شوراها و تعاونی‌های خود را تشکیل دهند و مبارزه برای براندازی بزرگ مالکی و بهبود شرایط زندگی دهقانان توام و رونق گیرد. ما از اقدامات مستقل و توده‌ای دهقانان در گرفتن زمینها قاطعانه حمایت کردیم. ما کوش کردیم هم دهقانان و هم

بمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

هندوستان

سازمان های دمکراتیک و مترقی هندوستان، در سه ایالت اوترا پرادش، مادیا پرادش و ماهاراشترا، طی انتشار بیانیه های همبستگی کامل خود را با اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و سایر زنان دمکرات در بند اعلام نموده، روشهای وحشیانه ای را که در مورد آنان اعمال می شود، محکوم می کنند.

آنان ضمن برشمردن نقش این زنان پیکار جود در تاریخ مبارزات مردم ایران بر علیه استعمار و استبداد و به خاطر کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به فعالیت "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، به عنوان سازمان دهنده زنان در این مبارزات و نیز نبرد برای احقاق حقوق آنان، ارجح گذاشته و از این که اکتون این زنان آزادی خواه و سازمان آنها، تحت شدیدترین پیگرد ها و ظالمانه ترین حملات حکومت راست - گرایان مدافع سرمایه داری و بزرگ مالکی قرار گرفته اند، شدیداً ابراز تأسف می کنند.

این سازمانها در پایان طی فراخوانی، کلیه نیروهای آزادی خواه و صلح دوست جهان را دعوت کرد مانند که علیه اینگونه خود سوری ها و ظنون شکنی های حاکمیت ج ۱۰۱۰، دست به اعتراض زنند و دولت ایران را موظف به رعایت خواست زیر دانستند:

- ۱- رعایت حقوق زنان کشور
- ۲- اجرای مواد قانون اساسی در مورد آزادی های فردی و سیاسی
- ۳- آزادی بلاد رنگ زندانیان سیاسی مدافع انقلاب
- ۴- برگزاری دادگاههای علنی با شرکت ناظرین بین المللی و بررسی وضع زندانیان، توسط هیأتی از پزشکان و حقوق دانان
- ۵- پایان دادن به تفتیش عقاید و پیگرد سازمان ها و احزاب مترقی و مدافع انقلاب و حقوق زحمتکش

اسامی سازمانها به قرار زیر است:

- الف - ایالت اوترا پرادش
- فدراسیون سراسری دانشجویان هند - در
 - فدراسیون دانشجویان هند - در ادون
 - حزب کمونیست هندوستان - در ادون
 - اتحادیه بازرگانی کنگره سراسری هندوستان - در ادون

ب - ایالت مادیا پرادش

- انجمن نویسندگان مترقی بوبال کمیته صلح و همبستگی - بوبال
- فدراسیون زنان هند - بوبال
- اتحادیه بازرگانی کنگره سراسری هندوستان - بوبال
- اتحادیه بازرگانی صنعتی بوبال

ج - ایالت ماهاراشترا

- سازمان مردم تهیه دست زافه نشین - پونسا
- حزب کمونیست هندوستان - پونا
- اتحادیه بازرگانی کنگره سراسری هندوستان - پونسا
- فدراسیون سراسری دانشجویان هند - پونا

- سازمان زنان شافل - پونا
- فدراسیون زنان پونا
- کمیته صلح پونا
- انجمن دانشجویان سودانی
- پونا
- جنبه دمکراتیک دانشجویان بحرین - پونا
- جنبه خلق برای آزادی فلسطین - پونا
- جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در هندوستان
- اتحادیه جوانان دمکرات بحرین

- سازمان ایالت کارناتا (راج یا ماهیلا - سانگها)
- طی صدور بیانیه ای، همبستگی خود را با زنان دمکرات در بند و سایر نیروهای مترقی

و دمکراتیک در ایران اعلام نموده و به ویژه پس از پرداختن به نقش ارزنده "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، در دفاع از انقلاب و منافع زنان زحمتکش این کشور، اعمال تضییقات بر علیه این سازمان و اعضای آن را محکوم دانسته و سورش ارتجاع را به سازمانهای مترقی در ایران، نشانه بازگشت انقلاب ارزیابی کرده است.

- دبیر اول، دبیران و کارگران "کاپر" در شهر جودپور، طی اعضای اعتراض نامه ای، دستگیری و شکنجه اعضای "تشکیلات دمکراتیک بقیه در صفحه ۱۱"

قطعنامه مشترک هیئتهای نمایندگی سازمانهای زنان عراق، ترکیه و ایران در رابطه با اوضاع سه کشور و منطقه

از دست می دهند و پیوسته تحت انواع فشارهای روحی و جسمی قرار دارند.

در هر سه کشور، شرایط زندگی توده های زحمتکش به سرعت رو به وخامت می گراید.

جنگ میان ایران و عراق، بخش اعظم منابع ملی دو کشور را می بلعد و در ترکیه، درصد هزینه های نظامی افزایش می یابد.

سرکوب خلقهای کرد، ویژگی مشترک کشورهای ما است.

در این کشورها، کردها از آزادی های بنیادی و حق تعیین سرنوشت خویشتن محرومند.

به خصوص زنان کردها، از بیسوادی و شرایط اسفبار زندگی رنج می برند.

سازمانهای ما در هر سه کشور، همچنان از مبارزات خلقهای کرد در راه کسب حقوق ملی و دمکراتیک خویشتن حمایت خواهند کرد.

جنبش های دمکراتیک زنان در عراق، ایران و ترکیه به پیکار در راه استقرار آزادی و کسب حقوق دمکراتیک ادامه خواهند داد.

سازمان های ما، علیرغم شرایط بغرنج کنونی، همبستگی با یکدیگر را توان خواهند بخشید.

مبارزه در راه صلح، شرط اساسی برای پیشبرد اهداف نامبرده به شمار می آید.

ما اتحاد استوار خود را در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا اعلام می داریم و منافع خود پسندان آن راه، عامل اصلی مصائب خلق های خویش می دانیم.

ما زنان سراسر جهان را فرا می خوانیم، با تأکید بر خواسته های زیر همبستگی خود را با زنان عراق، ایران و ترکیه تحکیم بخشند:

- ۱- پایان بخشیدن به تجاوز امپریالیستی، مداخله و حضور نیروهای نظامی در این منطقه
- ۲- پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق، بری از هرگونه اشغالگری و سیاست انضمام طلبانه و احترام به حق مردم دو کشور در تعیین سرنوشت خویش
- ۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی

- ۴- خاتمه دادن به سیاست سرکوب و تبعیض، و اعاده حقوق و آزادی های ملی و دمکراتیک خلق های کرد
- ۵- حق تشکیل آزادانه سازمان های زنان

طی برگزاری اجلاس شورای فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان "در مجارستان (۱۱ تا ۱۴ اکتبر)"، نمایندگان "سازمان مترقی زنان ترکیه"، "اتحادیه زنان عراق" و "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، قراخوان مشترکی خطاب به زنان جهان، به شرح زیر انتشار دادند:

"جنگ میان ایران و عراق، که بیش از سه سال است ادامه دارد، تا کنون نه تنها قریب به صدها هزار قربانی، از دو طرف بجای گذاشته و به ویرانی اقتصادی دو کشور انجامیده است، بلکه همچنین خطری جدی برای صلح جهانی به حساب می آید.

خونتای فاشیستی ترکیه، با پیروی از طرح های آمریکا در منطقه، در جهت تحکیم پایگاههای نظامی ناتو و اجازه استقرار سپاه واکنش سریع در خاک کشور، به منظور پیشبرد اهداف امپریالیسم آمریکا در منطقه و بسط نفوذ آن در خارج از حیطه نفوذ، گام بر می دارد.

نفوذ سربازان ارتش ترکیه به خاک عراق، ناقض حاکمیت ملی این کشور و قوانین بین المللی است.

ما نمایندگان سه سازمان نامبرده، هرگونه تجاوز خارجی به خاک خود و اشغال این سرزمین ها را به شدت محکوم و از حق تعیین سرنوشت خلق هایمان پشتیبانی می کنیم.

مسأله آمادگی خود را برای پیکار مشترک در این راه اعلام می داریم.

سیاست خارجی محافل حاکم در کشورهای ما، در راستای تحکیم نیروی ارتجاعی، شیونیستی و امپریالیستی عمل می کند و در داخل هر سه کشور، با سیاست ترور و خفقان دامنشانه رویرو هستیم.

امروزه در ترکیه، ایران و عراق ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک مردم پایمال می گردد.

سازمان های دمکراتیک زنان سرکوب و اعضای آن دستگیر و تحت شکنجه های وحشیانه قرار می گیرند (در مورد بسیاری از زنان، که مدت ها است بازداشت شده اند، اطلاعی در دست نیست).

خانواده های آنان مورد پیگرد و آزار قرار می گیرند، به گروگان برده می شوند، شغل خود را

کارزار جهانی همبستگی با زنان...

بقیه از صفحه ۱۰
زنان ایران " و سایر دمکراتها را شدیداً محکوم نموده ، خواستار آزادی کلیه این مبارزین گردید مانند .

● گروهی از وکلا ، خبرنگاران و سردبیسران روزنامه‌های مترقی ، از جمله مجله " جانا بسکتی " و " مرگام " در ایالت تیل ناد و ، هنرمندان این ایالت و دبیرکل و اعضای انجمن شعری این ایالت ، همبستگی خود را با زنان دمکرات دریند و به ویژه اعضای زندانی تشکیلات دمکراتیک زنان ایران اعلام و رفع تضيیقات در مورد فعالیت آزاد سازمانهای مترقی و اعضای آن هسارا خواستار گردید مانند .

● جمعی از افراد مترقی ، شخصیتهای سرشناس و سازمانهای دمکرات در ایالت مادیا پرادش ، از جمله حقوق دانان این ایالت ، سازمان زنان شهر ایندور ، دبیر فدراسیون ملی زنان هندوستان در ایندور ، معاون سازمان سراسری جوانان هندوستان در مادیا پرادش و بسیاری دیگر ، ضمن اعلام پشتیبانی از زنان دمکرات در بند ، اعمال قانون شکنانه حکومت براد مورد آنان ، شدیداً محکوم گردید مانند .

● فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان در سیلا ، دست به اقداماتی از جمله نصب پوستر در دانشگاه شهر ، جهت روشن کردن افکار عمومی در مورد جنایات هولناکی که در زندانهای ایران به وقوع می پیوندد ، زده است .

● انعکاس اخبار جنایات هولناکی که پشت درهای بسته سلولهای شکنجه در زندانهای ایران به وقوع می پیوندد و درج اخبار مربوط به اقدامات نیروهای مترقی در دفاع از جان دمکرات های دریند ، همچنان بخشی از عده مطالب منتشره در مطبوعات هندوستان را تشکیل می دهد . از جمله نشریاتی که در هفته های اخیر ، صفحاتی را به این مطالب اختصاص داد مانند ، مجله " صدای زنان شاذل " ، " بولتن فدراسیون ملی زنان هندوستان " و " روزنامه " ارگان حزب کمونیست این کشور به زبانهای محلی در ایالات مختلف بوده است .

در اکثر تشریفات مترقی هندوستان ، همچنین طی فراخوانهای متعدد ، از افکار عمومی مترقی خواسته شده است ، فعالیتهای خود را به خاطر نجات دمکرات ها ، از زندانهای ج ۱۰ شنیدت بخشند .

اتریش

" کمیته " ابتکارات سیاسی برای رشد زنان در کشورهای جهان سوم " ، در وین (اتریش) ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در این کشور ، اعمال شکنجه های وحشیانه را در مورد فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان و کلیه زنانی که بخاطر مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی در ایران بازداشت شده اند ، شدیداً محکوم کرده است .

این کمیته ، همچنین به وضع بد زندانهای ایران اشاره کرده و درخواست اعزام هیأتی بین المللی جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک تأکید ورزیده است .

بریتانیا

روز ۲۲ اکتبر (۳۰ مهرماه) تظاهرات شاكوهی از طرف " کمیته " مبارزه برای خلع سلاح اتمی " ، به منظور جلوگیری از موشکهای کروژ در بریتانیا ، ترتیب داده شد . در این تظاهرات عظیم نیم میلیونی ، کلیه نیروهای مترقی این کشور شرکت داشتند و سازمان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا نیز با حضور در این اجتماع بزرگ ، همبستگی خود را با مبارزه

فیلیپین

خانم فیلو منا تولنتینو ، دبیر انجمن " فیلیپین نو " ، طی انتشار بیانیه ای در ۲۰ اوت (۲۹ مردادماه) ، تأثر و تأسف عمیق اضلی این انجمن را از بازداشت فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر نیروهای مترقی در ایران ابراز و شکنجه وحشیانه زندانیان و محروم نمودن آنان از ابتدائی ترین حقوق ، از جمله حق ملاقات با خانواده هایشان و حق داشتن وکیل را محکوم نموده است .
دبیر " انجمن فیلیپین نو " ، همچنین حمایت کامل انجمن را از کارزار همبستگی با این زندانیان ، بخاطر آزادی آنان ، اعلام نموده است .



گوشه ای از تظاهرات " کمیته مبارزه برای خلع سلاح اتمی " - انگلستان

"اتحادیه ضد فاشیستها" برای چهارمین بار از مقامات ج.ا.ا. خواست قادر "دادگاههای" زندانیان توده ای شرکت کند

به این واقعیت جلب می کنیم که اعضای ایسین اتحادیه ، تا کنون سه بار از سفارت ایران درین تقاضا کرد مانند به یک هیأت متشکل از شخصیت های دمکراتیک آلمانی ، که در میان شان مبارزین ضد فاشیست و وکلای مترقی هم حضور دارند اجازه مسافرت به کشور شما داده شود تا ضمن بررسی وضع کسانی که تحت تعقیب سیاسی هستند ، در دادگاههایی که برای رسیدگی به " اتهامات " تودهای ها تشکیل می شود ، شرکت کنند . به این تقاضای ما تا کنون پاسخ داده نشده است . این بار ، از شما می خواهیم که اجازه ورود به یک چنین هیأتی داده شود . از جواب فوری شما خوشحال خواهیم شد .

تلگرام به دولت ایران - تهران
تکس شماره ۵۰۳
هیأت رئیسه اتحادیه ، پیگرد شدگان از طرف نژادها ، اتحادیه ضد فاشیستها / فرانکفورت / مایسن / جمهوری فدرال آلمان .
لطفاً این تلگرام را به دولت خودتان تقدیم کنید .
آقایان محترم :

با تأسف فراوان مطلع شدیم که در روز ۶ دسامبر (۱۵ آذر) ۱۹۸۳ ، محاکمه اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران آغاز خواهد شد . ما شدیدا علیه محاکمه این " دریندان " در یک دادگاه نظامی ، به جای یک دادگاه معمولی اعتراض می کنیم . ما تقاضا داریم این " متهمین " که مرگ جان شان را تهدید می کند ، هر چه زودتر آزاد گردند .
اینک از فرصت استفاده کرده و توجه شما را

با احترامات فائقه
هانس پینس

در هفته‌ای که گذشت:

برای کارگران "استقامت بیشتر" و برای "سرمایه‌داران" "سود بیشتر"

در گرد هم آیی مدیران و روسای ستادی و اجرایی وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان های وابسته، که از اول تا سوم آذر در تهران برگزار شد، آقای وزیر کار "خط مشی" وزارت کار را در قبال مسائل کار و کارگری مشخص کرد و گفت: "حرکت ما باید به سمتی باشد که هر چه بیشتر فاصله‌های بین کارگر و کارفرما را کمتر کنیم" (آزادگان - ۲ آذر)

این سخن و "دلیل" آن "که در جامعه اسلامی، اصولاً نباید تضاد بین اقشار مختلف وجود داشته باشد" برای کارگران آشناست. سیاست ضد کارگری وزیر کار سابق نیز، بر همین پایه نهاده شده بود که برای پیاده کردن آن از هیچ کوشش "فقهی" و "رسالتی" هم فرو گذار نکرد. جلوه "باز" تلاش توکلی و شرکا برای از میان برداشتن "فاصله‌های بین کارگر و کارفرما" و حل "تضاد بین اقشار مختلف" در "پیش نویس قانون کار" تبلور یافت که خشم و اعتراض یکپارچه کارگران را برانگیخت. اکنون نیز مسئولین جدید وزارت کار با وعده‌هایی که در جهت "احیای پیش نویس قانون کار" به کارگران می‌دهند و تنظیم و ارائه "طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار" و "که تنها و تنها" منافع مدیران "توانا" و "سرمایه‌داران" صالح را حفظ می‌کند، در همین راستا گام بر می‌دارند. واقعیت اینست که به رغم خواست مسئولین وزارت کار نه تنها "بین کارگر و کارفرما" فاصله و "تضاد" وجود دارد، بلکه مسئولین ج ۱۰۰ اعمال سیاستهای ضد کارگری خود و بازگذاشتن دست سرمایه‌داران فارتگر، این "فاصله" و "تضاد" را، هر روز ژرف تر و گسترده تر می‌سازند.

"رهنمود" مشخصی که آقای وزیر کار، برای اجرای این سیاست، ارائه می‌دهد، از این قرار است: "باید سعی بر این باشد که کار به منظور نزدیکی به خداوند انجام شود و در هر شرایط دعوت به تولید افزون تر و صبر و استقامت بیشتر در برابر مشکلات گردد" "به عبارت دیگر، به نظر آقای وزیر کار، تنها با بردن سطح تولید که برای سرمایه داران متضمن افزایش سود و انباشت سرمایه است، راه حل از میان بردن "تضاد" های بین کارگران و کارفرمایان است. از آن سو ارگرا نیز، با کسب "صبر و استقامت بیشتر" می‌توانند به پر کردن این دره "عظیم بیاری" بمانند! آقای وزیر کار در رابطه با بهبود شرایط

زندگی کارگران و افزایش دستمزد آنان - با توجه به هزینه‌های سرسام آور و احتکار و گران - فروشی رایج درج ۱۰۱۰ - اظهار می‌کنند: "بالا بردن دستمزدها و دادن امتیاز به گروهی، به منظور پیشرفت کوتاه مدت کار، دردی را دوا نخواهد کرد. اصولاً در اسلام کسار و کارگر به صورت ماشین نمی‌سنجند و ارزش کارگر را در اسلام بالاتر از مقامی است که در حکومت های غیر الهی و غیر انسانی پیدا کرده است."

می‌توان از قول "آقای وزیر کار" استفاده کرد و گفت: این "ارزش گذاری" و "مقامات" والا "بی که حاکمیت ج ۱۰، برای کارگران قائل است، هیچ "دردی را دوا نخواهد کرد". کارگران ایران که زیر بار کمر شکن معضلات و سختی های زندگی خود، به جان آمده‌اند - خواهند پایدان دادن به فشارها و تضییقاتی هستند که "سیاست" های ضد کارگری ج ۱۰ هر روز بیش از گذشته بر آنان وارد می‌سازد. اینگونه که از اقدامات و سخنان و طرح های آقای وزیر کار بر می‌آید، سابقه ۱۴ سال اسارت ایشان در دوران طاغوت نیز نمی‌تواند حاکمیت را از بحرانی که مرصه‌های کار و تولید را فرا گرفته، نجات دهد. کارگران آگاه ما، با این "تشبثات"، فریب نمی‌خورند.

"گشتی های همیشه در صحنه"، "بجای" "مردم همیشه در صحنه"!

گردانهای گشت ثارالله سپاه پاسداران منطقه ۱۰، هفته گذشته در تهران راهپیمایی کردند تا توان "رزمی" خود را به نمایش گذارند. در این رژه، "مخود روهای" "نخودی رنگ" گشت ثارالله، که به جز "تفکیک ناپذیر" و همیشه حاضر در خیابانها و چهارراههای تهران بدل شده‌اند نیز شرکت داشتند و چهار سرنشین آنها نیز که، مجهز به سلاحهای چهر و اجور و وسائل الکترونیکی، مراقب رفت و آمد و گفت و شنودهای مردم کوچک و بزرگ در جای همیشگی خود به انجام وظیفه نامقدس "زهیر - چشم گیری" مشغول بودند.

گشتی های ثارالله که خواب را بر چشمان مردم تهران حرام کرده و امنیت و آرامش شهر را بر هم زده‌اند، در حین رژه و مانور خود نیز کلیه گلوگاهها میادین و خیابانهای اصلی و حساس تهران (را) مورد بازرسی و بررسی دقیق (قراردادند) و با اجرا در آوردن کلیه موارد پیش بینی شده موفق شدند... تعدادی از عناصر مشکوک را دستگیر و به مراکز قانون (زندانیهای کثیر الشماره ج ۱۰) تحویل نمایند (کیهان ۲۸ آبان ۶۲). این عملیات متهورانه، نه تازگی دارد و نه بی - علت است.

تازگی ندارد، به این دلیل که "شهروندان عزیز تهرانی" ماههاست که شا هدانجام "این چنین عملیات جانبارانه‌ای" هستند. در واقع آنان هر روز از "توان رزمی" این "سربازان گمنام" ، سان می‌بینند؛ هر روز شاهد "مانور های" بستن گلوگاهها و میادین و خیابانهای اصلی و حساس تهران "اند و هر روز خود و دیگران را در معرض "بازرسی و بررسی دقیق" می‌بینند...

و بی‌علت نیست، به این دلیل که سردمداران ج ۱۰، اگر به این "علت" وجودی خود تکیه نکنند و آن را به نمایش نگذارند چه کنند؟! اثرات اجرای قانون کار مترقی و قانون تشکیل شوراهای و سندیکاها و تأمین حقوق رفاهی - صنفی کارگران را به نمایش بگذارند؟! ملی کردن تجارت خارجی و ریشه کنی تورم و گرانی را به رخ بکشند؟! مزارع نمونه‌ای را که با اجرای "اصلاحات ارضی"، زیر کشت برده‌اند، نشان بدهند؟! تأمین حقوق انسانی و دمکراتیک زنان را بنمایانند؟ مجتمع های عظیم تولیدی - صنعتی - آموزشی ای که برای امر اشتغال جوانان سرگردان و بی‌آینده مهین ما و نیز فراهم آوردن امکان تحصیل آنان، پیا کرده‌اند، نشان بدهند؟! دفاتر و کلپها و روزنامه‌های دیگر نیروهای سیاسی و دگراندیش را به نمایش گذارند؟! واقعا حاکمیت ج ۱۰ اگر چنین "عملیات و مانور های" را که برای نمایاندن زور بازو - و قدرت اسلحه و توان چماق و خود چماق ترتیب داده شده و هدف ایجاد رعب و وحشت در دل مردم و بازداشتن آنان از مقاومت و اعتراض را دنبال می‌کنند، به نمایش در نیارند، چه کند؟! این در واقع، سرنوشت شوم همه حاکمانی است که مردم را از "صحنه" می‌رانند و به سیاه چالها روانه می‌کنند، تا با تکیه بر "گشتی های همیشه در صحنه" بر آنان حکم برانند!

در پایان خوبست به این نکته مهم هم اشاره کنیم که علیرغم تبلیغات رسانه‌های گروهی، مبنی بر اینکه "این عملیات مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت" نه در عکس‌هایی که در مطبوعات چاپ شده و نه در گزارشات روزنامه‌های رسمی رژیم از این "استقبال گرم" اثری دیده نمی‌شود. حتی از مردمی که در طول مسافت رژه، برای تماشای این "چماق" ایستاده باشند هم اثری نیست!

نه شرقی، نه مردمی! غربی و "ناقو" بی

به دنبال اتخاذ و اجرای سیاست درهلی باز از سوی ج ۱۰، در هفته گذشته نیز یک هیئت ۳۰ نفره از اسپانیا، به سرپرستی وزیر مشاور در امور اقتصادی آن کشور وارد تهران شد و با مقامات عالی رتبه دولت ج ۱۰ به گفتگو پرداخت. در یکی از این دیدارها که با وزیر صنایع سنگین ج ۱۰ صورت گرفت، بهزاد نبوی نمایل حاکمیت راستگرای ج ۱۰ را پیرامون گسترش بقیه در صفحه ۱۳

رادیومسکو:

”حزب توده ایران همواره

برای حفظ منافع حیاتی زحمتکشان ایران مبارزه کرده است“

را فراموش نکنند

مردم ایران با سرنگون ساختن رژیم استبدادی پهلوی و آزاد کردن کشور از مظالم آمریکا امیدوار بودند که وضع اقتصادی و اجتماعی آنها در نتیجه انقلاب بهتر شود. بدین جهت است که حزب توده ایران، با تمام مواد برنامه اجتماعی و سیاسی آیت الله خمینی رهبر انقلاب ایران که با منافع مستضعفین وفق می داد و متوجه محدود کردن سرمایه بزرگ و زمینداران بزرگ بود، پشتیبانی می کرد. منافع حزب با منافع انقلاب کاملاً مطابقت داشت. حزب توده ایران کوششهای زیادی کرد تا دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نه تنها تثبیت شود، بلکه به نفع مردم تکامل بیشتری یابد.

حزب توده ایران در بحث پیرامون قانون اساسی جدید، فعالانه شرکت کرد و پیشنهادهای مهمی را مطرح ساخت، تا قانون اساسی، بیشتر جنبه دموکراتیک پیدا کند. وقتی اجرای برنامه انجام تحولات به سود مستضعفین به تأخیر افتاد، حزب توده ایران به صراحت اشاره نمود که تقصیر این وضع به گردن نمایندگان سرمایه داران بزرگ و فئودالیایی است که از منافع طبقاتی مغروران و سودپرستانه خود دفاع می کنند. حزب توده ایران برای انجام اصلاحات ارضی بنیادی در ایران، به واگذاری زمین های کلان زمینداران به دهقانان کوشید. حزب توده ایران در راه اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی به منظور تقویت استقلال اقتصادی کشور که مجلس شورای اسلامی به تصویب رساند، مجاهدت ورزید. در بین حال حزب توده ایران، ضرورت حل عادلانه مسئله ملی را بر اساس حق تأمین همه اقلیت های ملی ساکن ایران، برای تعیین مستقل سرنوشت در چارچوب دولت واحد مستقل مطرح کرد. لازم به تذکر است که تمام فعالیت های حزب توده ایران متوجه تحقق این شعار بود.

نیروهای راستگرا با ایراد تهمت و افترا به حزب توده ایران و یا اعمال تضييقات در مورد آن تلاش کردند نه تنها به این حزب زحمتکشان ایران ضربه وارد آورند، بلکه میخواستند سیاست اتحاد شوروی در مورد ایران و انقلاب ایران را مورد سوءظن قرار دهند. ولی این تلاشهای تحریک آمیز محکوم به ناکامی است. اتحاد شوروی هیچگاه در امور داخلی ایران، همسایه جنوبی، خود مداخله نکرده و مداخله نمی کند. اتحاد شوروی به نحوی بی گیر، در راه گسترش مناسبات عادی حسن همجواری با ایران بر پایه اصول برابری، عدم مداخله در امور داخلی و همکاری متقابل سودمند مجاهدت می ورزد. بدیهی است که برقراری چنین مناسباتی، فقط به شرط ابراز تمایل از هر دو طرف امکان پذیر است.

می دانند که این ”اقلیر“ چگونه گرفته شد. این ”اقتراقات“ که با به کار بردن انواع شکنجه های روحی و جسمی به دست آمد، به هیچوجه اعتبار قانونی ندارد! ملت ایران فشار و اعمال تضييقات بسیار شدید در مورد حزب توده ایران چیست؟ چرا ضربه نیروهای محافظه کار راستگرا و محافظ بورژوازی و ملاکی، متوجه این حزب شده است؟ پاسخ به این سؤال بسیار ساده است: حزب توده ایران، همواره برای حفظ منافع حیاتی اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان ایران، علیه سرمایه داران بزرگ و کلان زمینداران و علیه وابستگی ایران به دول امپریالیستی، مجدداً مبارزه کرده است. بدین علت است که رجالی سیاسی راستگرا و هوادار فرب که خود را طرفدار انقلاب ایران جا می زنند، نمی توانند این

چندی پیش سازمان تبلیغات اسلامی ایران، به وسیله نشریات سپهر در تهران، رساله های چاپ و منتشر کرده در آن سیاست حزب توده ایران در انقلاب ایران و همچنین روش اصولی اتحاد شوروی در مورد ایران، به نحوی خشن تحریف می شود. مؤلفین این رساله بدون ذره ای شرم اعلام نمودند که حزب توده ایران با اتحاد شوروی زد و بند کرده و گویا به فعالیت تخریبی علیه ج ۱۰۱۰ مشغول بوده است. مفسر ما بدین مناسبت می نویسد: ”واقعا این اواخر، ارگانهای تبلیغاتی ایران به شدت تلاش می کنند در برخی از کشورها، رساله های را پخش نمایند که شامل اسناد جعلی در مورد اصطلاح ”اقلیر“ رهبران بازداشت شده حزب توده ایران است. همه

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

همکاریهای صنعتی و فنی با آن کشور اعلام کرد و درباره احداث کارخانجات کشتی سازی خلیج فارس، اتومبیل سازی لندور و مواد اولیه مورد احتیاج ایران با وزیر مشاور اسپانیا به بحث و تبادل نظر پرداخت. در پایان، دو طرف اظهار امیدواری کردند روابط اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور توسعه و گسترش بیشتری یابد.

اریاب جدید بازارهای ج ۱۰ یکی دیگر از اعضای پیمان ناتوست که انحصارات امپریالیستی آمریکایی در قالب انحصارات چندملیتی، بر اقتصاد آن سلطنت سردمداران ج ۱۰ که گویی رسالتی جز احیای وابستگی به امپریالیسم برای خود قائل نیستند، اصرار دارند که شرکای تازه را از میان متحدان نظامی و هم پیوندان اقتصادی امپریالیسم آمریکا انتخاب کنند. ظاهراً

هیئت های نمایندگان جنبش

دمکراتیک عراق و ...

بقیه از صفحه ۱۶

سند یکنایه قدغن شده و رژیم مصمم است نسبت به فعالیت های شورای اسلامی کارگران را در اختیار خود بگیرد.

در ادامه این اعلامیه با اشاره به تشدید خطر جنگ جهانی و گسترش جنبش صلح به ”شرکت فعال“ جنبش کارگری و سند یکنایه جهانی ... در تجهیز توده ها علیه مسببین جنگ اشاره می شود، و اضافه می گردد:

”ما خواستاریم که همه نیروهای مترقی جهان، مجموعه جنبش کارگری و سند یکنایه و همه طرفداران صلح، به وسایل ممکنه از دولت های ایران و عراق بخوانند تا به این جنگ

به این ترتیب هم ”کلاه شرعی“ روی احیای وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا گذاشته می شود، و هم شیطان بزرگ ”بالاخره دل از“ صدام خواهد کند و به راستگرایان ج ۱۰ خواهد داد. در همین رابطه این نکته را نیز اضافه کنیم که روزنامه ”فرانکفورتر آلکامپنه“، در شماره ۲۹ نوامبر خود نوشته است:

”در ۹ ماهه اول سال جاری، صادرات آلمان (فدرال) - یکی دیگر از هم پیوندان اقتصاد و متحدان نظامی امپریالیسم آمریکا - به ایران ۱۴۵٪ افزایش یافته است.“

این روزنامه همچنین ”با اطمینان“ می نویسد:

”مناسبات اقتصادی آلمان (فدرال) با ایران در آینده نزدیک از بهترین سالهای دوران شاه نیز بیشتر خواهد شد.“

اینست معنای سیاست ”نه شرقی، نه غربی“ سردمداران ج ۱۰!

نابودکننده خاتمه دهند. ما از مردم عراق و ایران که پیوند برادرانه تاریخی دارند، می خواهیم که در طرف متخاصم را وادار به ترک مواضع کنند تا صلحی پایدار برقرار شود و پایان جنگ می تواند موجب تقویت و توسعه جنبش کارگری و سند یکنایه و برگشت به مرحله دموکراسی در ایران و عراق گردد!

این اعلامیه با اشاره به حق و صلاحیت مردم عراق ... درباره تخفیر رژیم ”این کشور“ این اقدام امری ”داخلی“ اعلام می شود و تصریح می گردد که در طرف شرکت کننده در این نشست با آرزوی آنکه ”مردم ایران و عراق در صلح و امنیت و تحت رژیم دمکراتیک بسر برند.“ با شعارهای ”زنده باد همبستگی بین المللی - زنده باد زحمتکشان ایران و عراق - زنده باد صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی“ پایان می یابد.

مسائل انقلاب و مواضع ما:

بقیه از صفحه ۱۵

مبنی در حال شکل گیری است. اکنون ۵ سال پس از انقلاب علیرغم سالهای اول توده‌های وسیع خلق دیگر اینطور فکر نمی‌کنند که حکومت حتماً هرکاری از دستش برآید برای مردم انجام خواهد داد. ۵ سال تأخیر در انجام تحولات بنیادین و ادامه جبهاولگری بی‌بند و بار کلان سرمایه‌داران و ستم‌بزرگ مالکان مردم را مشخصاً به این فکر انداخت که آیا حکومت برای آنان کاری خواهد کرد یا نه؟ این سؤال الان بطور جدی برای مردم مطرح است. توده زحمتکشان دیگر به یکدیگر اطمینان نمی‌دهند که صبر کنید حکومت این وضع نکبت‌بار را عوض می‌کند. آنها از یکدیگر می‌پرسند آیا حکومت بالاخره می‌خواهد فکری به حال آنها بکند یا نه؟

در سالهای قبل گوش توده‌های وسیع مردم زحمتکش فقط برای شنیدن حرفهای حکومت باز بود. امروز مشخصاً مردم می‌خواهند بدانند دیگران چه می‌گویند. امروز زحمتکشان کشور ما به سیاستها و راه‌حلهای حکومت دیگر به‌مثابه سیاستها و راه‌حل‌های بی‌بند و مطلقاً درست نگاه نمی‌کنند. زحمتکشان بعد از ۵ سال تجربه اکنون درباره صحت و سقم این راه‌حل‌ها و اهداف غائی این سیاستها فکر می‌کنند و آماده‌اند نظر دیگران را هم درباره آن بشنوند.

اکنون حکومت به توده‌ها ثابت کرده است که شایسته آن اعتماد و حمایت به‌دریغ، بی‌قید و شرط و ایثارگرانه توده مردم زحمتکشی نیست. اما مطلقاً غلط است تصور شود که حکومت به توده‌ها نشان نداده است که باید به او نیز با همان چشمی نگاه کنند که به رژیم شاه نگاه می‌کردند. رژیم شاه آنقدر از مردم دور و با امپریالیستها و جبهاولگران گره‌خورده بود، شاه آنقدر علیه خلق خیانت کرده بود که فقط با حربه سرکوب می‌توانست مردم را ساکت نگاهدارد. مانورهای آن از قبیل انقلاب سفید، "تمدن بزرگ" و غیره را توده‌های وسیع خلق در آخرین تحلیل ناشی از نیازهای خود رژیم و سرمایه‌داران و امپریالیستها ارزیابی می‌کردند. این مانورها هیچ‌یک قادر نشد اعتماد مردم را بدست آورد. توده مردم مدت‌ها بود که فهمیده بودند این حرفها همه دروغ است. این شناخت برای مردم قطعی و لایستخیر باقی ماند. اما امروز وضع با آن زمان هنوز خیلی فرق دارد. اعتماد مردم گاهی یافته اما هنوز به قطع امید تبدیل نشده است. اگر همین امروز هم حکومت دست به یک رشته اقدامات مثبت و مردمی بزند، هنوز قادر است روحیات کنونی را از نو به حمایت بی‌دریغ تبدیل کند. مردم دوره‌ای را پشت سر می‌گذرانند که عملاً اعتماد آنها به حکومت مشروط شده است به اینکه حکومت به یک رشته اقدامات عملی به نود مردم دست بزند و مردم هنوز آماده‌اند برای انجام این اقدامات به حکومت فشار بیاورند و خواسته‌های خود را مطالبه کنند.

رهبری کشور نیز ظاهراً "بخوبی احساس می‌کند که حیات وی تا اندازه زیادی بستگی به حفظ اعتماد مردم دارد. حکومت هنوز می‌کوشد سرکوب به یگانه وسیله حفظ رژیم تبدیل نشده اما حاضر نیست و به احتمال قوی حاضر نخواهد شد برای حفظ اعتماد مردم و جلب حمایت به‌دریغ آنها به اصلاحات اجتماعی بنیادین دست زند. چاره کار ظاهراً اینست که با دست زدن به اقدامات کوچک و بی‌ارزش، اقداماتی که جنبه بنیادین ندارند و رام‌انداختن هیاهوهای تبلیغاتی بزرگ این اقدامات بزرگ جلوه داده شوند و باز هم برای مدتی توده مردم از موضعگیری روبه گسترش در برابر حکومت دور نگاهداشته شود. اکنون با دقت بیشتری می‌توان اظهار نظر کرد که فرمان هشتم ماده‌ای و تبلیغات علیه احتکار و گرانیفروشی و ترمیم کابینه را باید عمدتاً از زمره اینگونه اقدامات نوشت. اگر بخواهیم همه آنچه را که در پاسخ به این سؤال گفتیم خلاصه کنیم باید گفت:

اولاً، اعتماد توده مردم به حکومت در حال کاهش است و جنبش توده‌های کارگری و دهقانی و حرکات اعتراضی محرومان شهری بصورت مطالباتی و اعتراضی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر ادامه و گسترش خواهد یافت. این امر از سنگبری عمومی حکومت ناشی می‌شود.

ثانیاً، حکومت از دست زدن به اقدامات بنیادین خودداری می‌کند و احتمال انجام آنها در آینده نیز در حال کاهش است. اما حکومت هنوز می‌کوشد با حربه تبلیغات پرهیاهو و انجام اقدامات و اصلاحات جزئی مانع از کاهش سریع حد اعتماد مردم و جبهه‌گیری متقابل توده‌های وسیع خلق در برابر حکومت گردد. حکومت نیاز دارد که مردم را نسبت به بهبود شرایط زندگی خود و تلاش "مادقانه" جمهوری اسلامی در این راه امیدوار نگاه دارد.

در چنین شرایطی وظیفه ماست که:

۱- "اولاً" - به توده‌های وسیع خلق هرچه وسعتر نشان دهیم و بگوئیم که اقدامات حکومت جزئی و بی‌اهمیت است و نمی‌تواند وضع آنان را تغییر دهد. ما اقدامات مثبت را هر قدر هم کوچک باشد هرگز نه تنها غمگین نخواهیم کرد بلکه از آنها صراحتاً حمایت خواهیم کرده. اما در عین حال اجازه نخواهیم داد که هیاهوی بسیار برای هیچ به راه بیاندازند و مردم را گمراه و به توهم دچار سازند. باید به توده‌های خلق کمک کرد ارزیابی و شناخت واقع‌بینانه‌ای از حکومت داشته باشند.

ثانیاً - باید توده‌های خلق را - هر کجا که هستند بسیج کرد که بخواسته‌ها و مطالبات خود را عنوان و در راه تحقق آن مبارزه کنند. این مبارزه باید نه تنها توده کارگران و دهقانان بلکه توده محرومان شهری و اقشار وسیع روشنفکران خلقی، توده زنان و جوانان و اهرم در بزگردد. کوشش در راه رفع ستم ملی در کردستان و هدایت مبارزه توده مردم کردستان اهمیت خاص دارد. این مبارزه اساساً خصالت اعتراضی و مطالباتی دارد. اعتراض به ادامه بی‌هدف جنگ، طرح شعار صلح به عنوان مسئله اصلی، اعتراض به اختناق و شکنجه همراه با مطالبه آزادی زندانیان سیاسی و رعایت حقوق و آزادیهای قانونی، مبارزه در راه براندازی بزرگ‌مالکی و مهار لحام گسیختگی سرمایه‌داری، پیروزی بسیج توده‌های خلق برای اعمال فشار از پایین برای گذرانیدن قوانین مترقی و اجبار حکومت به تمکین به خواسته‌ها و مطالبات مردم محتوای اساسی این مبارزه توده‌ای است. بخاطر داشته باشیم که ما همچنان در راه اجرای اصول مردمی و ترقیب‌خواهانه قانون اساسی مبارزه می‌کنیم که در شرایط کنونی افشاه و طرد سیاست راست حاکم بر جمهوری اسلامی ایران یک پیش شرط لازم و ضروری برای آنست.

ثالثاً - ما به توده‌های خلق خواهیم آموخت که چاره آنها در وحدت و تشکیلات است. چه سازمانهای سیاسی و چه صنفی و سندیکایی و یا سایر سازمانهای توده‌ای. ما یک لحظه هم رهنمود لنین را فراموش نخواهیم کرد که کار سیاسی و تشکیلاتی در میان توده‌های وسیع خلق اساس کار و فعالیت و مبارزه هر انقلابی راستین است. آنچه بسیار مهم است آنست که در این پیکار توده‌ای و بطور کلی در هر گام از مبارزه انقلابی فراموش نکنیم که تمام این کارها تنها وقتی می‌تواند از لحاظ استراتژیک شریک باشد که هدفش ایجاد و گسترش سازمانهای سیاسی، سندیکایی، توده‌ای و مستقل باشد و سازمانهایی که سیاست و برنامه مستقل و انقلابی طبقه کارگر را راهنمای عمل خود قرار می‌دهد. بدون اینکار در نهایت حاصل تمام مبارزات ما یا برهادر خواهد رفت و یا در جهت منافع سایر طبقات جامعه شمر خواهد داد. و در حال به آرمان سوسیالیسم خدمت نخواهد کرد.

برای همه رفقای فدایی و توده‌های و همچنین برای دیگر نیروهای راستین مدافع انقلاب استقامت روزافزون و موفقیت بیشتر و اتحاد و فشرده‌گی صفوفشان را آرزو می‌کنم. امیدوارم در آینده نیز بتوانیم از طریق تکرار این گفتگوها و انتشار آنها و از هر طریق ممکن دیگر، علیرغم تمام تضییقات اختناق موجود با مردم مهربان خود گفتگو کنیم و اجازه ندهیم حقایق پنهان نگاهداشته شوند. پیروز باشید.

مسائل انقلاب و مواضع ما:

بقیه از صفحه ۹

در یکسال اخیر در موارد بسیاری دهقانان در برابر یورش خشونت آمیز و سرکوبگرانه اربابها و محال آنها برای پس گرفتن زمین از خود مقاومتی جانانه و حماسی نشان داده اند. آنها در موارد زیادی با خطر انداختن جان خود و خانواده اشان و با به جان خریدن شکنجه و ضلای و زندان جلوی گشت زمین توسط اربابها را گرفته اند. آنها به تجربه درمی یابند که باید متشکل شوند و متحد گردند. اشکال توده های مبارزه گذشته را با اشکال موثرتر تکمیل کنند. آنها درمی یابند که باید با تکیه به نیروی توده های خود، حق خود را از حلقوم دشمنان مردم بیرون بکشند.

تمام مردم، نیروهای انقلابی، اعم از مسلمانان مبارز یا انقلابیون فدائی و توده های باید با استفاده از تمام امکانات بزرگ و کوچک خود مبارزه در راه بزرگ مالکی این لکه ننگ و عامل عقب ماندگی کشور را گسترش دهند. اصلاحات ارضی مسئله ای نیست که بتوان از آن چشم پوشید. باید شوراها و اتحادیه های واقعی دهقانی را گسترش داد. باید دهقانان و همه توده مردم را برای اعمال فشار بر حکومت بسیج کرد و جلوی سیاستهای راستگرایانه و ضد دهقانی را گرفت و سیاست روستاویران کن و دهقان برانداز کنونی را افشا کرد و با شکست مواجه ساخت. اکنون که حکومت سیاست گرفتن زمین از دهقانان و سپردن آن به بزرگ مالکان را برپیش گرفته است، وظیفه هر فرد انقلابی است که در راه افشا و شکست این سیاست و تحقق شعار اصلاحات ارضی بنیادین و از بن برکندن بزرگ مالکی و نابودی تمام آثار منحن نظام اربابی مبارزه خود را تشدید کند و به مبارزه در حال گسترش دهقانان یاری رساند.

توده مردم زحمتکش در شهرها، بویژه در تهران هر روز فشار بیشتری را تحمل می کنند. برخی از مقامات حکومت سعی کرده اند مسئولیت حوادث اخیر افسوسه را برعهده گروهکها بیاورند، عده ای هم کوشیدند علت قطع آب و برق را فقط در بی کفایتی برخی مسئولین خلاصه کنند، ایند بنظر من اینها همه بی پایه است. با سیاستی که حکومت دنبال می کند و راه چاره ایی که انتخاب کرده گسترش بحران در زندگی شهری و گسترش موج اعتراض توده های وسیع مردم زحمتکش اجتناب ناپذیر است. ریشه اعتراض مردم افسوسه را باید قبل از اینکه در بی کفایتی مسئولان یا نوظف ضدانقلاب جستجو کنیم باید در تشدید و خامت زندگی روستائیان و خانه خرابی آنها، در تشدید غارت بی امان کلان سرمایه داران و تورم و گرانی برسام آور، در سیاست ادامه جنگ و برپادادن ثروت های ملی در راه هدنهای پوچ، در سیاست درهای باز و فشار روزافزون انحصارات امپریالیستی بر تولیدگران داخلی، بویژه صاحبان سرمایه های خرد جستجو کرد.

حکومت اهداف متناقضی را دنبال می کند. جریان حاکم از یکطرف تصمیم گرفته است بند ج و د را اجرا نکند، جلوی دولتی شدن بازرگانی خارجی را بگیرد، راه نزدیکی با امپریالیسم و بازرگانی دروازه های کشور را در پیش گیرد و از سوی دیگر خیلی مایل است که اعتماد مردم نسبت به خود را حفظ کند و آنان را پشتیبان حکومت نگاهدارد. اینها با هم جور در نمی آید. نتیجه سیاستهای حکومت به ناگزیر وخامت بیشتر زندگی توده زحمتکشان است، این نتیجه ناگزیر ادامه رشد سرمایه داری و گرایش به غرب است. دهها نمونه در کشورهای که این راه را ادامه داده اند در آمریکای لاتین در آسیا و دیگر جاها وجود دارد که حاصل آن تشدید اعتراضات مردم و تشدید بی اعتمادی آنان نسبت به حکومت بوده است. ممکن است بخش وسیعی از مردم هنوز ندانند که چرا هر روز عرصه بر آنان تنگتر و فشار زندگی بردوش آنان بیشتر می شود، اما این فشارها لاجرم، اعتراضات توده ای را دامن می زند.

بنظر من و بنابه تمام شواهد مبنی در روحیات و گرایشات توده های وسیع خلق چه کارگران، چه دهقانان و توده زحمتکشان شهری و صاحبان سرمایه های خرد و ریز نسبت به حکومت تغییرات

هیاتهای ۷ نفره و نیروهای مدافع انقلاب در حکومت سیاست اصولی و انقلابی ارضی ما و اهمیت حیاتی آنرا برای حفظ انقلاب درک و مبارزه خود را تقویت کنند. ما نیروهایی را که امروز وعده های خود به مردم را فراموش کرده اند به مردم می شناسانیم و خطرات ناشی از مماشات در برابر مخالفین اصلاحات بنیادین ارضی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت تاریخی آنها را افشا کرده ایم و خواهیم کرد. هیاتهای هفت نفره که امروز در معرض هجوم حکومت قرار گرفته اند، ما با بسیج دهقانان به حمایت از آنها و با دادن تصویر روشن از اقدامات اصولی، به آنها کمک کرده ایم و خواهیم کرد تا در مقابل مخالفان انقلاب ایستادگی کنند. زمانی که اجرای بندج قانون مصوبه شورای انقلاب به بهانه جنگ بولی در واقع زیر فشار راستگرایان به دستور امام متوقف شد، با صراحت تمام خواستار لغو این دستور شدیم. در تمام کشور و با صدای رسا اعلام کردیم که این دستور به زیان انقلاب و به سود ضدانقلاب است. اکنون نیز که شرایط تغییر یافته است و حکومت جانب بزرگ مالکین را گرفته است، از خواستهای دهقانان، در حمایت فعال از مبارزات توده های آنها و کر راه جلب حمایت کارگران و زحمتکشان شهر از دهقانان، به هر شکل ممکن دفاع خواهیم کرد.

مستأفانه پیروهای مدافع انقلاب در حکومت در تمام زمینه ها و بویژه در مورد اصلاحات ارضی، گام به گام در برابر امپریالیسم و ضدانقلاب و راستگرایان، عقب نشینی کرده اند. در یک مرحله بندهای ج و د را متوقف کردند. در مرحله بعد سرو دم آنرا زدند و قانون احیا و واگذاری ارضی جانشین آن شد. در مبارزه برای اجرای قانون مصوب شورای انقلاب، علیرغم خواست دهقانان، هیئتهای هفت نفره و هواداران سوسیالیسم زمانی که این قانون بویژه ماده ۶ این طرح مباحثات حادی را در مجلس دامن زده بود، دومین عقب نشینی بزرگ خود را انجام دادند. با تأیید عملی لغو این قانون توسط شورای نگهبان قانون اساسی، عقب نشینی خود را تکمیل و دهقانان را ناامید کردند. اکنون تا به آنجا در برابر راستگرایان تسلیم شده اند که خود را به حل مسئله زمین در چارچوب قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی دلخوش کرده اند. تصادفی نیست که پس از این عقب نشینی های مکرر و بویژه پس از صدور پیام هشت ماده ای امام خمینی ظافوتیان فراری، و ملاکین بزرگ، خانها و فئودالها به کمک دادگاههای انقلاب برای بیرون آوردن زمین از چنگ دهقانان هجوم بیاورند. اما با این حال دهقانان از خود ایستادگی نشان می دهند. و در مقابل خانها به کمک ایادی خود در دستگاه قضایی کشور آنان را به زندان می اندازند. مسئله استرداد زمینها و زندانی شدن دهقانان بعدی گسترش یافته است که حتی برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم نتوانستند در برابر این همه ظلم و بیادگری سکوت کنند.

حکومت درباره خودکفایی و شکوفایی اقتصاد کشاورزی شعار می دهد. ولی واقعیت تماما خلاف آنرا اثبات می کند. تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها، گسترش فقر، بیسوادی اهالی روستاها، کاهش مرتب تولیدات کشاورزی، افزایش مرگ و میر در روستاها عوارض سیاست کنونی حکومت است، و همه نشان می دهند که حرف و شعار یک چیز و عمل چیز دیگری است درست برخلاف آن.

اکنون مرتجعین می خواهند دستاورد مبارزات چندین ساله دهقانان را هم از آنها بگیرند و در مقابل دهقانان از خود می پرسند چرا در عوض فدakarهایی به شمار در راه حفظ حکومت و تقدیم بهترین شهید در جنگ، باید زندانی شوند و زمینهایشان را از آنها بگیرند؟ آنها حق دارند در جستجوی کسانی باشند که به آنها خیانت نکنند و آرزوهای دیرینه آنها را برآورده سازند. آنها نخواهند گذاشت آنچه را با مبارزه بدست آورده اند، بسادگی از آنها بگیرند. دهقانان یقیناً به مقاومت خود می افزایند و بانک اعتراض خود را بلندتر خواهند کرد. وقتی روشهای امروزین مبارزه نمر ندهد، آنها به ناگزیر به روشهای جدید مبارزه روی می آورند.

هیئت‌های نمایندگی جنبش دمکراتیک عراق و کمسیون ارتباطات سندیکایی زحمتکشان ایران: "به این جنگ بی سرانجام پایان دهید!"

در اوایل آبان ماه، هیأت نمایندگی جنبش دموکراتیک عراق با کمسیون ارتباطات سندیکایی زحمتکشان ایران دیدار و گفتگو کرد. در این نشست، دو هیأت نمایندگی پس از بحث و تبادل نظر در بارهٔ اوضاع دو مملکت و به خصوص جنگ ایران و عراق، اعلامیه ای صادر کردند.

در این اعلامیه مشترک، پیرامون لزوم پایان دادن به جنگ فرسایشی بین ایران و عراق آمده است:

"بیش از سه سال است که از حمله صدام حسین به ایران می‌گذرد و این جنگ خانمان برانداز هنوز هم ادامه دارد. صدام مهاجم در برابر خلق ایران و به خصوص وحدت طبقه کارگر نتوانست ایستادگی کند، ناچار به عقب نشینی شد و نقشه‌های شومش شکست خورد. با وجود چنین وضعی، جنگ به حالت فرسایشی ادامه دارد و هر لحظه می‌تواند بدل به جنگ منطقه‌ای گردد و زمینه را برای مداخله مستقیم نیروهای واکنش سرخ آمریکا فراهم سازد."

سپس با اشاره به تعداد زیاد کشته شدگان این جنگ، که ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر و زخمیان آن که ۶۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود - و خسارات مالی ده‌ها میلیارد دلاری تصریح می‌شود که:

"جنگ بین عراق و ایران موجب تقویت مواضع امپریالیسم، به خصوص آمریکا، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی در خاورمیانه شده و صلح جهانی را تهدید می‌کند."

دو طرف در اعلامیه به موضع نیروهای دمکراتیک ایران و عراق، که از ابتدا تهاجم صدام به ایران را محکوم کرده و مخالفت خود را

با ادامه توسعه طلبانه جنگ توسط ایران اعلام داشته‌اند، اشاره شده است و این هیأت هم - چنین "پایان جنگ و برقراری صلح واقعی در جهت منافع مشترک مردم ایران و عراق" را خواستار شده است.

در ادامه اعلامیه می‌خوانیم:

"در عراق: سیاست ضدتوده‌های ویکتوری رژیم صدام حسین، مملکت را به سوی یک بحران عمومی سوق داده و بی‌وزاری بیرونی و طفیلی را بیش از پیش تقویت کرده است. چنین سیاستی بر مبنای اختناق بیرحمانه علیه نیروهای دموکراتیک دنبال می‌شود. این سیاست فاشیستی به همراه ترورهای سیاه و اعدام‌های فوری انجام می‌گیرد. پی آمد چنین سیاستی، جز توسل به جنگ از طرف رژیم صدام حسین چیز دیگری نبوده است."

در زمینه سندیکایی: رژیم دست به یک مبارزه بیرحمانه‌ای علیه حقوق سندیکایی و تمام دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان زده و اکنون هم ادامه می‌دهد. حق اعتصاب هم مانند سایر حقوق زحمتکشان زیر پا گذاشته شده است. ارگان‌های اجرائی سازمان‌های سندیکایی کنونی تحت نظارت و هدایت سازمان امنیت عراق بوده و از رژیم دیکتاتوری فرمانبرداری می‌کنند.

پارک‌شکن جنگ و بحران عمومی پر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند: ۶۰٪ زحمتکشان به جبهه جنگ فرستاده شده‌اند. دستمزدها دائما در حال نزول است و حال آنکه تورم به میزان ۵۰٪ افزایش یافته است. خلاصه اینکه زندگی به طور وحشتناکی خراب می‌شود و عواقب

تحت فشار چه ملاحظاتی سکوت اختیار کرده‌اند، چه نیرویی در حاکمیت ج. ۱۰ مانع از اظهار نظر آزادانه نمایندگان مجلس می‌شود؛ چه کسانی آبرو و حیثیت نمایندگان انقلابی را تهدید می‌کنند؛ چه کسانی مانع انتخاب دو باره نمایندگان می‌شوند که از انقلاب پشتیبانی می‌کنند؛ پاسخ روشن از طرف انتقادکنندگان داده نمی‌شود!

این مخالفت خوانی‌های پوشیده و رمز آلود اقلیت دنباله رودر حاکمیت، قادر به شکستن بن بست حاکمیت نیست. ائتلاف راستگرایان و تسلیم‌شدگان (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - روحانیت مبارز تهران - حزب جمهوری اسلامی) نتیجه انتخابات آینده را تعیین خواهند کرد، و یا تغییر قاطعتر تناسب قوا به سود آنان، رونند مسخ انقلاب نیز، شتاب بیشتری خواهد گرفت. اما سخن آخر را نیروهای وفادار به آرمان‌های انقلاب، نیروهای جبهه متحد خلق، و مردمی که بیش از پیش از حاکمیت روی بر می‌گردانند و به آنان روی می‌آورند خواهند گفت.

وخیم آن به خصوص متوجه طبقه کارگر است. در چنین شرایطی، مبارزان کارگری و سندیکایی سه رهبری جنبش دموکراتیک زحمتکشان عراق، برای احقاق حقوق خود در چارچوب نبرد عمومی خلق عراق، برای استقرار یک دولت دموکراتیک ائتلافی، خود مختاری واقعی کردستان و صلح مبارزه می‌کنند.

در ایران: راستگرایان، نیروهای افراطی و قشریون، مواضع کلیدی حکومت را در تمام سطوح تسخیر کرده، موجب تقویت افراطیون و توسعه طلبان شده و رژیم را به سمت راه‌سرمایه‌داری با همکاری امپریالیست‌ها هدایت می‌کنند.

وضع خراب اقتصادی، تورم، افزایش سریع تعداد بیکاران، عوارض نکبت بار جنگ و غارت بی بند و بار سرمایه‌آزان موجب افزایش وسیع نارضایتی توده‌ها شده است.

مدت‌مدیدی است که رژیم ایران سیاست سرکوب و اختناق را دنبال می‌کند. هزاران مبارز ضد امپریالیست زندانی و شکنجه و اعدام شده‌اند. در اوایل امسال، تعرض و رودرویی مستقیم رژیم علیه نیروهای انقلابی جنبش کارگری و سندیکایی، به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. طی یکسال اخیر، ده هزار مبارز کارگری و سندیکایی زندانی شده و شکنجه دیده‌اند. زندگی هزاران نفر از این مبارزین در خطر است. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران غیر قانونی اعلام شده است. سازمان‌های بقیه در صفحه ۱۳

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در سانفرانسیسکو هزینه جاب این شماره "راه توده" را تأمین کردند

الف م . از انگلستان ۴۰ پوند
رفیق مسافر ۲۵ پوند

RAHE TUDEH
No. 70
Friday, 2. Dèz. 83

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:

West-Germany	1 DM	England	30 P.
France	3 Fr.	Belgium	22 Fr.
Austria	8 Sch.	Italy	600 L.
		U.S.A.	50 Cts.
		Sch. Sweden	3 Skr.

چرخش به راست حاکمیت تثبیت می‌شود!

نیه از صفحه ۶
خصیت با نفوذی چون آیت الله العظمی تظری هشدار می‌دهند:

"نمایندگان محترم در مورد آنچه که لازم و بوط به انقلاب و نظام اسلامی است، نباید ساهمه یا ملاحظاتی کنند. اسلام و انقلاب از ام سایل و ملاحظاتی دیگر مهمتر و بزرگتر است و نمایندگان اگر احساس کردند که باید آبرو بیثبت خود را هم فدای اسلام و انقلاب بکنند، در این فکر نباشند که دو مرتبه انتخاب شوند یا نه" (راد یو ایران - ۱۱ آذر ۶۲).
این دعوت پوشیده به مخالفت با است راست هنوز از محتوای راستین انقلابی، هی بخشی به توده‌ها و بسیج آنان علیه منسان انقلاب، تهی است. به این حال ها که نمایندگان مردم